

The Role of Counselors and Educational Mentors in the Prevention and Reduction of Student Addiction: A Mixed-Methods Study in Khuzestan Province Schools*

Mobin Shah Vali¹, Shahla Bagheri²

1. M.A. in Social Sciences Research, Ministry of Education, Abadan, Iran Email: mobinshahvalii@gmail.com

2. Professor, Department of Sociology, Faculty of Literature and Humanities, Kharazmi University, Tehran, Iran (Corresponding Author) Email: sbagheri@khu.ac.ir

Research Article



Abstract

Addiction is among the most significant social harms, posing a serious threat to adolescents' psychosocial well-being as well as the stability of families and society. School-based prevention therefore holds strategic importance. The present study, conducted in Khuzestan Province, aimed to elucidate the role of school counselors and educational mentors in preventing and reducing students' inclination toward addiction, employing a sequential mixed-methods design (qualitative-quantitative). In the qualitative phase, 19 counselors and educational mentors were selected through purposive sampling, and data were collected via semi-structured interviews. Data analysis was carried out using the grounded theory approach through open, axial, and selective coding. In the quantitative phase, 363 male upper-secondary students from five cities of Khuzestan Province were selected through simple random sampling and completed a researcher-designed questionnaire developed based on the qualitative findings; the data were analyzed using descriptive and inferential statistics. The findings indicated that students' inclination toward addiction is shaped by three categories of factors: individual factors (such as weak life skills, low self-esteem, and poor emotion regulation), family factors (including conflict, parental addiction, and inadequate supervision), and socio-cultural factors (such as peer pressure, availability of substances, and the influence of virtual spaces). Moreover, the role of counselors and educational mentors was confirmed at three levels—prevention, identification, and support—encompassing life-skills training, early detection, and the provision of counseling services. The results underscore the necessity of strengthening the professional status of these groups and designing integrated interventions grounded in scientific knowledge and cultural-religious values to reduce students' tendency toward addiction and enhance their psychosocial well-being.

Keywords: School counselor; Educational mentor; Student addiction trauma; Multifaceted addiction epidemic; Grounded theory; Islamic foundations

* This scientific article is derived from the master's thesis of Mr. Mobin Shah Vali, supervised by Dr. Shahla Bagheri. The thesis was conducted in a demand-driven format with the support of the Research Institute for Education Studies.

Received: 2025-12-07 | Received in revised from: 2026-02-02 | Accepted: 2026-04-19 | Published online: 2025-12-22

◆ **How to cite:** Shah Vali, Mobin, Bagheri, Shahla,(1404SH): The Role of Counselors and Educational Mentors in the Prevention and Reduction of Student Addiction: A Mixed-Methods Study in Khuzestan Province Schools, quran and social sciences, 4(20), p160-197, 10.22034/arq.2025.242442

©2025. Article type: Research Article Published by: University of Holy Quran Sciences and Education
arq.quran.ac.ir



نقش مشاوران و مربیان پرورشی در پیشگیری و کاهش اعتیاد دانش آموزان (مطالعه‌ای ترکیبی در مدارس استان خوزستان)*

مبین شاه ولی^۱، شهلا باقری^۲

۱. کارشناسی ارشد پژوهش علوم اجتماعی، آموزش و پرورش، آبادان، ایران، mobinshahvalii@gmail.com
۲. استاد گروه جامعه شناسی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه خوارزمی، تهران، ایران (نویسنده مسئول)
sbagheri@khu.ac.ir

پژوهشی



چکیده

اعتیاد در زمره مهم‌ترین آسیب‌های اجتماعی است که سلامت روانی-اجتماعی نوجوانان و پایداری خانواده و جامعه را تهدید می‌کند و پیشگیری از آن در بستر مدرسه، اهمیتی راهبردی دارد. پژوهش حاضر با هدف تبیین نقش مشاوران و مربیان پرورشی در پیشگیری و کاهش گرایش به اعتیاد دانش آموزان، با رویکرد ترکیبی متوالی (کیفی-کمی) در استان خوزستان انجام شد. در بخش کیفی، ۱۹ نفر از مشاوران و مربیان پرورشی با نمونه‌گیری هدفمند انتخاب و داده‌ها از طریق مصاحبه‌های نیمه‌ساختاریافته گردآوری شد؛ تحلیل داده‌ها با استفاده از روش نظریه داده‌بنیاد و طی مراحل کدگذاری باز، محوری و انتخابی صورت گرفت. در بخش کمی، ۳۶۳ دانش آموز پسر دوره متوسطه دوم از پنج شهرستان به روش نمونه‌گیری تصادفی ساده انتخاب و پرسشنامه محقق ساخته مبتنی بر یافته‌های کیفی را تکمیل کردند؛ داده‌ها با بهره‌گیری از آمار توصیفی و استنباطی تحلیل شد. یافته‌ها نشان داد که گرایش به اعتیاد متأثر از سه دسته عوامل است: عوامل فردی (نظیر ضعف مهارت‌های زندگی، عزت‌نفس پایین و ناتوانی در تنظیم هیجان)، عوامل خانوادگی (از جمله تعارضات، اعتیاد والدین و نظارت ناکافی) و عوامل اجتماعی-فرهنگی (همچون فشار همسالان، دسترسی به مواد و تأثیرات فضای مجازی). همچنین، نقش مشاوران و مربیان در سه سطح: پیشگیری، شناسایی و حمایت‌گری، (شامل آموزش مهارت‌های زندگی، تشخیص زود هنگام و ارائه خدمات مشاوره‌ای)، به‌عنوان مؤلفه‌های کلیدی تأیید شد. نتایج بر ضرورت تقویت جایگاه حرفه‌ای این گروه و طراحی مداخلات تلفیقی مبتنی بر دانش علمی و ارزش‌های فرهنگی-دینی به‌منظور کاهش گرایش به اعتیاد و ارتقای سلامت روانی-اجتماعی دانش آموزان تأکید دارد.

کلیدواژه‌ها: مشاور مدرسه، مربی پرورشی، ترومای اعتیاد دانش آموزان، اپیدمی چند وجهی اعتیاد، نظریه داده‌بنیاد، مبانی اسلامی.

* مقاله حاضر از پایان نامه مقطع کارشناسی ارشد جناب آقای مبین شاه ولی به راهنمایی خانم دکتر شهلا باقری، استخراج شده است. همچنین پایان نامه مذکور بصورت تقاضا محور و با حمایت پژوهشگاه مطالعات آموزش و پرورش انجام شد.

تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۰۹/۱۶ | تاریخ اصلاح: ۱۴۰۴/۱۱/۱۳ | تاریخ پذیرش: ۱۴۰۵/۰۱/۳۰ | تاریخ انتشار آنلاین: ۱۴۰۴/۱۰/۰۱

◆ **استناد به این مقاله:** شاه ولی، مبین؛ باقری، شهلا (۱۴۰۴): (نقش مشاوران و مربیان پرورشی در پیشگیری و کاهش اعتیاد دانش آموزان (مطالعه‌ای ترکیبی در مدارس استان خوزستان))، قرآن و علوم اجتماعی، (۲۰)۴، ۱۶۰-۱۹۷، 10.22034/arq.2025.242442

۱. بیان مسئله

نهاد آموزش و پرورش، در منظومه تربیتی اسلام، تنها متولی انتقال دانش نیست بلکه مسئولیت خطیر «تربیت انسان متعهد، سالم و مفید برای جامعه اسلامی» را بر عهده دارد. بر این اساس، این نهاد باید نقشی اساسی در تربیت، آگاهی‌بخشی و مصون‌سازی نسل نوجوان در برابر آسیب‌های اجتماعی ایفا کند. از منظر قرآن، انسان موجودی کریم آفریده شده است (اسراء: ۷۰) و حفظ سلامت جسم و روان او، مصداق حفظ این کرامت و امانت الهی است. هرگونه ضعف در انجام این رسالت، نه تنها پیامدهای گسترده فردی، خانوادگی و اجتماعی به دنبال دارد، بلکه می‌تواند نوعی تقصیر در برابر مسئولیت الهی «أمانه» (احزاب: ۷۲) محسوب شود.

آسیب‌های اجتماعی، به هرگونه رفتار فردی یا جمعی اطلاق می‌شود که از چارچوب هنجارها و قواعد اخلاقی جامعه خارج شده و از نظر قانونی و اخلاقی ناپسند تلقی شود (محمدی و عبداللهی، ۱۳۹۷: ۲). در نگاه اسلامی، این آسیب‌ها فراتر از نقض هنجارهای زمینی، معادل «مُنْکَر» و خروج از دایره «مَعْرُوف» هستند که قرآن به مبارزه با آن‌ها امر کرده است (آل عمران: ۱۰۴). هنگامی که رفتاری به صورت معنادار از هنجارهای عمومی و شرعی فاصله گیرد و مستلزم واکنش اجتماعی یا کیفری شود، در طبقه رفتارهای آسیب‌زا و «مفسده‌انگیز» قرار می‌گیرد (باقری کراچی و مهربانی، ۱۳۹۶: ۵). در میان انواع آسیب‌ها، اعتیاد نوجوانان و جوانان، یکی از جدی‌ترین چالش‌های سلامت اجتماعی و از بزرگ‌ترین «مفاسد اجتماعی» به شمار می‌رود. قرآن کریم مواد مسکر و افیونی را «رِجْس» و «عَمَلِ الشَّيْطَان» معرفی می‌کند (مائده: ۹۰) و وابستگی به آن‌ها را مصداق بارز «الْقَاءُ فِي التَّهْلُكَةِ» می‌داند (بقره: ۱۹۵). این پدیده شوم، نه تنها کرامت انسانی را ویران می‌سازد، بلکه بنیان خانواده («أَرْكَان» جامعه) و ساختارهای فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی جوامع را دچار اختلال کرده و سرمایه‌های انسانی و اجتماعی را تباه می‌کند.

بر اساس گزارش‌های معتبر جهانی، الگوی مصرف مواد در نوجوانان یک چالش

پویا و نگران کننده باقی مانده است (UNODC, ۲۰۲۳): اگرچه روند کلی مصرف برخی مواد ممکن است در مناطق مختلف نوسان داشته باشد؛ اما مواجهه زود هنگام و شروع مصرف در سنین پایین کماکان یک تهدید جدی برای سلامت نسل جوان محسوب می شود (Johnston et al: ۲۰۲۳). مطالعات نشان می دهند که اختلالات ناشی از مصرف مواد در میان نوجوانان شایع است و ضرورت مداخلات پیشگیرانه و تشخیصی به موقع را بیش از پیش آشکار می سازد (Levy & Williams, ۲۰۲۱). این روند هشداردهنده جهانی، در تضاد آشکار با آموزه های بنیادین اسلامی است که بر «حِفْظُ النَّفْسِ» (صیانت از جان) و «صِیَانَةُ الْعَقْلِ» (حفاظت از خرد) به عنوان دو ضرورت شرعی و انسانی تأکید دارند. داده های داخلی نیز حاکی از شیوع نگران کننده مصرف مواد در میان نوجوانان ایرانی است (شیخ و همکاران، ۱۳۹۴: ۲). بر اساس گزارش ها، روند مصرف مواد در جهان و ایران صعودی است و این مسئله به عنوان یکی از عوامل مهم تهدیدکننده حیات جامعه مطرح شده است (رحیمی موقر، ۱۳۹۳: ۱۷۳؛ خبرگزاری فارس، ۱۴۰۲). همچنین مصرف سیگار به عنوان دروازه ورود به اعتیاد (عباس نژاد، ۱۳۹۴: ۲)، خود نقض حکم الهی «لَا تُلْقُوا بِأَيْدِيكُمْ إِلَى التَّهْلُكَةِ» است.

در این شرایط حساس، مدارس به عنوان مهم ترین نهاد تربیتی رسمی و مجری «تَرْكِيهٍ وَتَعْلِيمٍ» (جمعه: ۲)، نقشی بی بدیل در پیشگیری، شناسایی و مداخله در آسیب هایی چون اعتیاد دارند. در این میان، مشاوران و مربیان پرورشی، به مثابه «ناصحان امین» و «مراقبان تربیتی»، در خط مقدم مواجهه با مسائل دانش آموزان قرار دارند. این افراد با بهره گیری از دانش تخصصی و در پرتو ارزش های اسلامی، می توانند نقش مؤثری در کاهش زمینه های گرایش به اعتیاد ایفا کنند. راهبردهای مؤثر از دیدگاه اسلامی و علمی شامل: ارائه مهارت های زندگی مبتنی بر «تَقْوَى» و «صَبْرٍ» (بقره: ۱۵۳)، مشاوره فردی بر اساس «مُشَاوَرَه» (آل عمران: ۱۵۹)، تقویت ارتباطات حمایتی به مثابه «تَعَاوُنُوا عَلَى الْبِرِّ» (مائده: ۲)، آموزش های پیشگیرانه در قالب «أَمْرٌ بِالْمَعْرُوفِ» و مداخله به موقع به منزله «تَهْيِئْ عَنِ الْمُنْكَرِ» است (WHO, ۲۰۱۴).

باین حال، بیشتر پژوهش‌های پیشین در ایران، عمدتاً رویکردی کمی و فاقد تحلیل عمیق در چارچوب مبانی اسلامی داشته‌اند. ازاین‌رو، این پژوهش با بهره‌گیری از رویکرد ترکیبی (کیفی-کمی) و با اتکا به مبانی اسلامی و قرآنی، در پی آن است تا با تحلیلی چندلایه، عوامل مؤثر بر گرایش دانش‌آموزان پسر استان خوزستان به اعتیاد را شناسایی کند و نقش حیاتی مشاوران و مربیان پرورشی را به‌عنوان «واسطان سلامت اخلاقی و اجتماعی» در فرآیند پیشگیری و کاهش این آسیب بزرگ، تبیین نماید.

۲. پیشینه پژوهش

پژوهش‌های بین‌المللی نشان می‌دهند که مداخلات مدرسه‌محور نقش مؤثری در کاهش مصرف مواد و تقویت عوامل محافظتی نوجوانان دارند. به‌عنوان مثال، شریدان و همکاران (۲۰۲۲) در مطالعه «مداخلات مدرسه‌محور برای پیشگیری از مصرف مواد در نوجوانان: مرور نظام‌مند و فراتحلیل» نشان دادند که برنامه‌های جامع پیشگیری که آموزش مهارت‌های زندگی و رفتارهای صحیح را ترکیب می‌کنند، به کاهش مصرف سیگار، الکل و مواد مخدر در میان نوجوانان منجر می‌شوند. همچنین، ویگنا-تاگلیانتی و همکاران (۲۰۲۲) در پژوهش «اثربخشی برنامه‌های پیشگیری مدرسه‌محور بر مصرف الکل، تنباکو و مواد مخدر در میان نوجوانان» نشان دادند که آموزش مهارت‌های اجتماعی و تربیتی، به ویژه در مدارس با حمایت خانواده، به‌طور قابل توجهی مصرف مواد را کاهش می‌دهد. مطالعه جونز و همکاران (۲۰۲۱) با عنوان «پیشگیری از مصرف مواد در نوجوانان: تحلیل محتوای مقالات منتشرشده» نیز بیانگر این بود که برنامه‌های پیشگیری که مشارکت والدین، معلمان و همسالان را ترکیب می‌کنند، بیشترین تأثیر را در کاهش مصرف مواد دارند.

در ایران، پژوهش‌های متعددی به موضوع پیشگیری از مصرف مواد و آسیب‌های اجتماعی نوجوانان پرداخته‌اند. آهنی (۱۴۰۰) در تحقیق «راهکارهای پیشنهادی برای مقابله با افزایش گرایش به اعتیاد در دانش‌آموزان» نشان داد که آموزش

مهارت‌های زندگی، آگاهی‌بخشی والدین و مشاوره فردی می‌تواند تمایل به مصرف مواد را کاهش دهد. سرخوش و همکاران (۱۴۰۰) در مطالعه «نقش مشاوره و آموزش در پیشگیری از آسیب‌های اجتماعی» بر اهمیت آموزش‌های روانشناختی و اجتماعی در مدارس تأکید کردند و مشخص نمودند که مداخلات مشاوره‌ای منجر به بهبود مهارت‌های مقابله‌ای و کاهش رفتارهای پرخطر می‌شود. همچنین، جهادگر و عارف‌نیا (۱۴۰۲) در پژوهش «تأثیر الگوهای مشاوره‌ای در کاهش میزان آسیب‌های اجتماعی و روانی دانش‌آموزان متوسطه دوم منطقه چاروسا استان کهگیلویه و بویراحمد» نشان دادند که اجرای برنامه‌های مشاوره‌ای منظم در مدارس میزان رفتارهای پرخطر و تمایل به مصرف مواد را کاهش می‌دهد. طیبی (۱۴۰۰) نیز در تحقیق «اعتیاد و نوجوانان» دریافت که علاوه بر عوامل خانوادگی و اقتصادی، فشار همسالان و کنجکاوی فردی نقش مهمی در گرایش به اعتیاد دارند. با وجود این دستاوردها، اکثر مطالعات داخلی با اتکا به روش‌های کمی انجام شده‌اند و کمتر به فرآیندهای عمیق شکل‌گیری گرایش به اعتیاد و نقش مشاوران مدرسه در بافت فرهنگی و مذهبی ایران پرداخته‌اند. از منظر مبانی اسلامی، پیشگیری از اعتیاد فراتر از پیشگیری اجتماعی و روانشناختی است و بر اصولی همچون حفظ نفس و عقل (بقره: ۱۹۵)، اجتناب از مواد مسکر (مائده: ۹۰-۹۱)، تقوا به‌عنوان بازدارنده درونی، تزکیه نفس به‌عنوان فرآیند پیشگیری اولیه و امر به معروف و نهی از منکر به‌عنوان مسئولیت اجتماعی استوار است. پژوهش سلیمانی و رضایی (۱۳۹۷) تحت عنوان «بررسی نقش آموزه‌های دینی در پیشگیری از اعتیاد نوجوانان» نشان داده است که متغیرهای معنوی دینی، مانند باور به مسئولیت اجتماعی و تزکیه نفس، نقش قابل توجهی در کاهش تمایل نوجوانان به مصرف مواد دارند.

با وجود این دستاوردها، اکثر مطالعات داخلی بر روش‌های کمی متکی بوده و کمتر به فرآیندهای عمیق شکل‌گیری گرایش به اعتیاد و نقش مشاوران مدرسه در بافت فرهنگی ایران پرداخته‌اند. شکاف روش‌شناختی پژوهش‌ها ناشی از فقدان مطالعات ترکیبی کیفی-کمی است که بتواند هم عمق ادراکات دانش‌آموزان

و مشاوران را بررسی کند و هم تعمیم یافته‌ها به نمونه وسیع را ممکن سازد. علاوه بر آن، شکاف نظری-کاربردی نیز شامل فقدان الگوهای بومی و نظام‌مند برای تلفیق آموزه‌های اسلامی با دانش نوین روانشناسی تربیتی و مشاوره‌ای است. پژوهش حاضر با اتخاذ رویکرد ترکیبی اکتشافی متوالی طراحی شده است و هدف آن نه تنها تحلیل جامع عوامل مؤثر بر گرایش به اعتیاد از منظر روانشناختی، اجتماعی و معنوی است، بلکه بررسی چگونگی تبدیل مبانی نظری اسلامی به راهبردها و کنش‌های عملی مشاوران و مربیان پرورشی در محیط مدرسه را نیز دنبال می‌کند. بدین ترتیب، این مطالعه می‌تواند به‌عنوان الگوی مفهومی-عملیاتی بومی، پل ارتباطی میان گفتمان دینی و علمی در پیشگیری مدرسه‌محور از اعتیاد باشد و خلأهای پژوهش‌های پیشین را پر نماید.

۳. روش تحقیق

این مطالعه با هدف تبیین عوامل مؤثر بر گرایش دانش‌آموزان به اعتیاد و تحلیل نقش مشاوران و مربیان پرورشی، از طرح ترکیبی متوالی (کیفی-کمی) اکتشافی استفاده کرد. در این طرح، اولویت با داده‌های کیفی است و داده‌های کمی برای تعمیم‌بخشی، اعتبارسنجی و تکمیل یافته‌های کیفی جمع‌آوری می‌شوند. ادغام، در دو مرحله صورت گرفت: (۱) در مرحله ساخت ابزار: مقوله‌ها و مفاهیم استخراج‌شده از فاز کیفی، مبنای طراحی گویه‌های پرسشنامه کمی قرار گرفت. (۲) در مرحله تفسیر نتایج: یافته‌های کمی (مثلاً میزان فراوانی عوامل و یافته‌های استنباطی) به‌عنوان شواهد کمی تکمیلی برای غنابخشی، اولویت‌بندی و تأیید الگوی پارادایمی حاصل از داده‌های کیفی مورد استفاده قرار گرفت. این رویکرد امکان تبیین عمیق‌تر پدیده را فراهم کرد. در فاز کیفی، با بهره‌گیری از روش نظریه داده‌بنیاد (اشتراوس و کوربین)، مصاحبه‌های نیمه‌ساختار یافته با ۱۹ نفر از مشاوران و مربیان پرورشی در پنج شهرستان استان خوزستان، (اهواز (۵ نفر)، آبادان (۴ نفر)، دزفول (۴ نفر)، خرمشهر (۳ نفر)، ایذه (۳ نفر) انجام گرفت. این توزیع با توجه به پراکندگی جغرافیایی، تنوع بافت اجتماعی-اقتصادی و دسترسی

به مشارکت کنندگان باتجربه صورت گرفت تا حداکثر تنوع دیدگاه‌ها پوشش داده شود انجام گردید. فرآیند نمونه‌گیری به صورت هدفمند و مصاحبه‌ها تا زمانی ادامه یافت که به «اشباع نظری» رسیدیم. معیار اشباع، «توقف ظهور مقوله‌ها و خردده مقوله‌های جدید» و «تکرار مضامین مشابه» در سه مصاحبه متوالی بود. پس از مصاحبه شانزدهم، داده‌های جدیدی به مدل پارادایمی اضافه نشد، اما برای اطمینان بیشتر، سه مصاحبه دیگر نیز انجام شد که تنها به تأیید و غنای همان مقوله‌های پیشین پرداخت. داده‌های کیفی در سه مرحله کدگذاری باز، محوری و انتخابی مورد تحلیل قرار گرفت. این فرآیند منجر به استخراج مقوله هسته‌ای و شکل‌گیری مدل پارادایمی متشکل از شرایط علی، زمینه‌ساز، مداخله‌گر، راهبردها و پیامدها شد. اعتبار بخش کیفی نیز از طریق چارچوب چهارگانه گوبا و لینکلن (۱۹۸۲) شامل اعتبار‌پذیری، انتقال‌پذیری، قابلیت اطمینان و تأیید پذیری استفاده شد (صفری‌شالی و همکاران، ۱۴۰۳). برای ارتقای اعتبار‌پذیری، پژوهشگر با بهره‌گیری از رویکرد امیک و غوطه‌وری در میدان، درک عمیقی از تجربیات مشارکت کنندگان به دست آورد. قابلیت اطمینان از طریق رعایت اصول مصاحبه عمیق، ثبت کامل روایت‌ها و بازبینی مجدد داده‌ها توسط برخی مشارکت کنندگان تأمین شد. تأیید‌پذیری با ارزیابی فرایند گردآوری و تحلیل داده‌ها توسط اساتید و متخصصان مرتبط محقق گردید. همچنین انتقال‌پذیری با استفاده از مقایسه مستمر داده‌ها و ارائه توصیفات عمیق تقویت شد.

در بخش کمی، ۳۶۳ نفر از دانش‌آموزان مدارس که مشاوران و مربیان در آنجا مشغول به خدمت بودند با روش نمونه‌گیری تصادفی ساده انتخاب شدند و پرسشنامه محقق‌ساخته‌ای که بر اساس یافته‌های کیفی طراحی شده بود را تکمیل نمودند. روایی پرسشنامه از طریق اعتبار محتوا و نظر متخصصان تأیید شد. برای بررسی روایی سازه پرسشنامه، از تحلیل عاملی اکتشافی با روش استخراج مؤلفه‌های اصلی و چرخش واریماکس استفاده شد. پس از حذف سؤالات با بار عاملی کمتر از ۰/۴ و همپوشانی بالا، درنهایت ۵ عامل اصلی

با مقادیر ویژه بالای ۱ استخراج گردید که در مجموع $3/68\%$ از واریانس کل را تبیین می‌کردند. این عوامل منطبق با مقوله‌های اصلی استخراج شده از مرحله کیفی (عوامل خانوادگی، فردی، همسالان، محیطی و رسانه‌ای) بودند. شاخص KMO برابر با $0/812$ و آزمون بارتلت معنادار بود ($p > 0/001$) که نشان از کفایت نمونه‌گیری و مناسب بودن داده‌ها برای تحلیل عاملی داشت؛ و پایایی آن با ضریب آلفای کرونباخ ($0/75$) محاسبه گردید. داده‌های کمی با استفاده از نرم‌افزار SPSS و در سطح آمار توصیفی و استنباطی تحلیل شد. این تحلیل‌ها به شناسایی عوامل علی، زمینه‌ساز، مداخله‌گر و راهبردی در گرایش به اعتیاد و تبیین نقش مداخلات مدرسه‌ای کمک شایانی نمود.

گرفتن کد اخلاق در کمیته گروه و دانشگاه تشخیص داده نشد؛ ولی پیش از هر مصاحبه یا تکمیل پرسشنامه، اهداف پژوهش به‌طور کامل برای مشارکت‌کنندگان توضیح داده شد و رضایت آگاهانه کتبی/شفاهی اخذ گردید. به آنان اطمینان داده شد که مشارکت کاملاً داوطلبانه است و می‌توانند در هر مرحله انصراف دهند. تمام داده‌ها به‌صورت کدگذاری شده و محرمانه نگهداری شد و تنها برای اهداف پژوهشی حاضر مورد استفاده قرار گرفت.

۴. تحلیل یافته‌های پژوهش

الف) یافته‌های کیفی

پدیده محوری: از دید کرسول و پات^(۲۰۱۸)، پدیده محوری یا مقوله اصلی، پدیده‌ای است که کانون و محور اصلی پژوهش است. در واقع پدیده محوری باعث انسجام تمامی پارادایم‌ها حول یکدیگر می‌شود، زیرا مقوله‌ای هست که به‌واسطه آن شرایط، راهبردها و پیامدها صورت می‌گیرد بنابراین پدیده محوری پس از مراحل کدگذاری باز و محوری و با بررسی روابط بین مقولات، به‌عنوان هسته مرکزی که سایر مقولات را به هم مرتبط می‌سازد، استخراج شد. برای

نمونه، کدهای اولیه مانند «نداشتن مهارت نه گفتن»، «فرار از مشکلات خانه» و «تقلید از دوستان»، در نهایت تحت مقوله فراگیر «جستجوی راهبردهای ناسالم برای فرار از فشارهای درونی و بیرونی» قرار گرفت که خود، بخشی از پدیده محوری «ترومای اعتیاد» را شکل می‌داد. براین اساس با توجه به آنچه از تحلیل متن مصاحبه‌ها و پردازش مفاهیم به دست آمد، «پدیده ترومای اعتیاد دانش‌آموز» به‌عنوان مقوله محوری پژوهش تعیین شد.

شرایط علی: بر اساس تحلیل داده‌های کیفی و کدگذاری باز، سه عامل اصلی به‌عنوان شرایط علی مؤثر در گرایش دانش‌آموزان به اعتیاد شناسایی شد که در جدول شماره ۱ آمده است:

جدول شماره ۱: شرایط علی

مقوله اصلی	مقولات محوری	مفاهیم
شرایط علی اعتیاد	ویژگی‌های شخصیتی و عادات	نوسانات فکری و نگرانی‌ها، عدم آگاهی‌های لازم، کنجکاوی و کسب تجربه، غرور کاذب و استعمال سیگار.
	مسائل خانوادگی	نداشتن مهارت در فرزند پروری، اعتیاد در خانواده، طلاق و متارکه والدین، اعتیاد بستگان درجه یک، دعوی و کشمکش‌های خانوادگی، فقر خانواده، بد سرپرستی و بی‌سرپرستی و استطاعت مالی والدین.
	گروه دوستان	دوستی با دوستان معتاد، تحریک دوستان، عضویت در گروه‌های دوستی مشروط به مصرف و قطع رابطه با دوست‌دختر خود.

این عوامل از طریق تحلیل عمیق مصاحبه‌های انجام‌شده با مشارکت کنندگان استخراج گردیده و نشان می‌دهد که پدیده اعتیاد در بین دانش‌آموزان ریشه در تعامل پیچیده‌ای از عوامل خانوادگی، اجتماعی و فردی دارد. همان‌گونه که از اطلاعات (جدول شماره ۱) نمایان است، از میان عوامل علی متعددی که در بروز پدیده «اعتیاد» دانش‌آموزان دخیل بوده است، سهم و میزان اثرگذاری

«مسائل خانوادگی»، با فراوانی (۱۳۴) به نسبت دیگر علل بیشتر بوده و فراوانی زیر مقوله‌های بیشتری را به خود اختصاص داده است. بعدازآن، ویژگی‌های شخصیتی و عادات، با فراوانی (۸۸) و گروه دوستان، با فراوانی (۵۱) بیشترین اثرگذاری را در گرایش دانش‌آموزان به مسئله اعتیاد را داشته‌اند؛ بنابراین به نظر می‌رسد که «مسائل خانوادگی» با زیر مقولاتی همچون: (نداشتن مهارت در فرزند پروری، اعتیاد در خانواده، طلاق و متارکه والدین، اعتیاد بستگان درجه‌یک، دعوی و کشمکش‌های خانوادگی، فقر خانواده، بد سرپرستی و بی‌سرپرستی و استطاعت مالی والدین) بیشترین نقش را می‌تواند در گرایش دانش‌آموزان نسبت به اعتیاد داشته باشد. هرچند که نمی‌توان از تأثیرگذاری عوامل بسیار مهم دیگری از جمله تأثیرگذاری «گروه دوستان» و «ویژگی‌های شخصیتی و عادات» دانش‌آموزان چشم‌پوشی کرد. بر این اساس به برخی از اظهارات مشاوران و مربیان پرورشی در رابطه با مقولات فوق‌الذکر اشاره می‌شود: در رابطه با مفهوم «استطاعت مالی والدین»، مشاوران و مربیان پرورشی، معتقد بودند که «وقتی خانواده در رفاه دانش‌آموز افراط کنند و پول زیادی را در اختیار آن‌ها بگذارند می‌تواند فرد را به انجام اقدامات پرخطر تحریک کند و با توجه به اینکه (گل) شباهت زیادی با سیگار دارد و از قیمت بسیار پائینی هم برخوردار است می‌تواند فرد را به سمت مصرف آن ترغیب کند چراکه ما متأسفانه مواردی این‌چنینی را در گذشته داشته‌ایم».

مقوله ویژگی‌های شخصیتی و عادات مشتمل بر مفاهیمی چون: نوسانات فکری و نگرانی‌ها، عدم آگاهی‌های لازم، کنجکاوی و کسب تجربه، غرور کاذب و استعمال سیگار است که هر یک از این مفاهیم نیز خود به واسطه مفاهیم و گزاره‌های مختلفی به وجود آمده است؛ بنابراین به جزئیات برخی از آن‌ها اشاره می‌شود: مصاحبه‌شوندگان (مشاوران مربیان پرورشی) در رابطه با این موارد اظهار داشتند که «اگر دانش‌آموزان نسبت به پیامدها و مضرات مصرف مواد مخدر آگاهی‌های لازم را نداشته باشند و در مواجهه با مشکلات زندگی و رد درخواست‌های غیرمعمولی همچون مصرف مواد مخدر توانایی‌های لازم را

نداشته باشند می‌توانند به مسئله اعتیاد مبتلا شوند». یکی دیگر از مفاهیمی که مشاوران و مربیان پرورشی، در زمینه تأثیرگذاری گروه دوستان به آن توجه زیادی داشتند و می‌توان گفت از پرتکرارترین مفاهیم زیرمجموعه مقوله گروه دوستان بود، مفهوم «بحران‌های عاطفی» بود. بدین ترتیب مشاوران و مربیان در رابطه با آن اظهار داشتند که «موارد زیادی داشته‌ایم که دانش آموزان علت گرایش خود به مسئله اعتیاد را قطع ارتباط با دوست دختر خود می‌دانستند و می‌گفتند که به خاطر اینکه از وضعیت ناراحت کننده این جدایی رها شوند به مصرف موادهای مخدری همچون گل و مشروبات الکلی رجوع می‌کردند».

شرایط زمینه‌ای: بر اساس تحلیل مصاحبه‌های انجام شده با مشاوران و مربیان پرورشی، سه بستر زمینه‌ساز اصلی در گرایش دانش‌آموزان به اعتیاد شناسایی شد که در جدول شماره ۲ آمده است:

	مقوله اصلی (انتخابی)	مقولات محوری	مفاهیم
شرایط زمینه‌ای اعتیاد	عوامل محیطی و رسانه‌ای	شرایط محیطی مدرسه	خرید، فروش و مصرف مواد مخدر در حوالی مدرسه، ایمن پنداشتن محیط مدرسه، در حاشیه بودن.
		شرایط محیطی محل سکونت	دسترسی آسان و ارزان به مواد مخدر، زیرساخت ضعیف شهری، حاشیه‌نشینی، وجود اماکن پرخطر.
		فضای مجازی و رسانه‌ها	الگوپذیری از سلبریتی‌ها، الگوپذیری از بلاگرها

جدول شماره ۲: شرایط زمینه‌ای

این یافته‌ها نشان می‌دهد که محیط اجتماعی فراتر از مدرسه، به‌ویژه محل زندگی دانش‌آموزان و فضای مجازی، نقش تعیین‌کننده‌ای در زمینه‌سازی گرایش به اعتیاد دارند. هر یک از این مقولات اصلی شامل زیر مقولات و

مفاهیم تخصصی‌تری می‌باشند که در تشریح جامع‌تر عوامل مؤثر بر پدیده اعتیاد در بین دانش‌آموزان حائز اهمیت هستند.

در رابطه مفاهیم و زیر مقولات شرایط محیطی محل سکونت، مشاوران و مربیان پرورشی معتقد بودند که «در شهرهایی که پارک، فضاهای سبز و محیط‌های فرهنگی مناسبی وجود نداشته باشد و در عوض، اماکن پرخطری چون قلیانی‌ها، قهوه‌خانه‌ها یا کلوپ‌های بازی بسیاری وجود داشته باشد فرد در این امکان حضور یافته و ناظر رفتارهای پرخطری چون مصرف مواد مخدر و مشروبات الکلی و... در این محیط‌ها خواهد بود که می‌تواند بستر ورود به اعتیاد را فرد را فراهم کند. همچنین در رابطه با حاشیه‌نشین بود منزل دانش‌آموز اظهار داشتند که معمولاً در مناطق حاشیه‌نشین منازل با قیمت کمتری اجاره یا خریداری می‌شوند و معمولاً افراد کم‌درآمد و آسیب‌پذیر در این امکان سکونت دارند و تعداد افراد بزهکار در آنجا بیشتر به چشم می‌خورد که قانداً فروشندگان مواد مخدر هم نیز در آن مناطق بیشتر دیده می‌شود که دسترسی به این مواد برای افراد آسان‌تر می‌کند و می‌توان گفت که زمینه‌های گرایش دانش‌آموز را در جهت گرایش به آسیب اعتیاد را فراهم می‌کند».

در خصوص مفهوم «الگوپذیری از سلبریتی‌ها و بلاگرها»، مشاوران و مربیان پرورشی نیز اظهار داشتند که: «دانش‌آموزان با حضور مفرط در فضای مجازی و شبکه‌های اجتماعی و الگوپذیری از سلبریتی‌ها و بلاگرها می‌تواند زمینه‌های گرایششان به اعتیاد را فراهم کند و این الگوپذیری زمانی اتفاق می‌افتد که هنرمندان یا بلاگرهای فضای مجازی با مصرف مواد مخدر این امر را برای افراد عادی‌سازی می‌کنند و به‌نوعی قبح این آسیب شکسته و ترسشان ریخته می‌شود و با دیدن مصرف افراد مشهور، این امر برایشان عادی می‌شود و علاوه بر آن، با مصرف این مخدرها خود را اصطلاحاً «کچری جلوه می‌دهند مخصوصاً در دور همی‌هایی که دارند».

شرایط مداخله‌گر: بر اساس تحلیل مصاحبه‌ها، شرایط مداخله‌گر مؤثر در مقابله با اعتیاد دانش‌آموزان در سه دسته اصلی شناسایی شد که در جدول شماره ۳ آمده است:

جدول شماره ۳: عوامل مداخله‌گر

شرایط مداخله‌گر اعتیاد	مقوله اصلی	مقولات محوری	مفاهیم (کدهای باز)
	عوامل مدیریتی، فرهنگی و حمایتگری	مسائل مدیریتی و سیاست‌گذاری‌های نادرست در سطح کلان	کمبود شدید مشاور و نیروی متخصص در حوزه آسیب‌های اجتماعی، کمبودها و محدودیت‌های مشاوران و مربیان، تجمع دانش آموزان آسیب‌پذیر در هنرستان‌ها.
		عوامل فرهنگی	تعصبات و حساسیت‌های خانوادگی، ضعف فرهنگ مشاوره و ضعف مهارت تربیتی والدین.
	همیاری ارگان‌ها و خیرین	ارتباط مستمر نیروی انتظامی و ستاد مبارزه با مواد مخدر با مدرسه، حمایت خیرین، مناطق آزاد و شرکت‌های نفت پتروشیمی، بسیج و سپاه پاسداران، بهداشت و اورژانس اجتماعی، کلاس‌های انجمن معتادان گمنام (NA) و مراکز ترک اعتیاد	

این شرایط به‌عنوان عوامل واسطه‌ای، می‌توانند اجرای راهبردهای مقابله با اعتیاد را تسهیل نموده یا با ایجاد موانع، اثرگذاری آن‌ها را محدود کنند. مداخله‌گرانی که در امر مقابله با آسیب اعتیاد دانش آموزان خلل ایجاد کرده‌اند شامل مقوله عوامل فرهنگی و مسائل مدیریتی و سیاست‌گذاری‌های نادرست در سطح کلان بوده است که این مقوله خود شامل زیر مقولاتی از قبیل: ۱. کمبود شدید مشاور و نیروی متخصص در حوزه آسیب‌های اجتماعی ۲. کمبودها و محدودیت‌های مشاوران و مربیان پرورشی در جهت مقابله با این آسیب ۳. تجمع دانش آموزان آسیب‌پذیر در هنرستان‌ها.

به‌طور مثال مشاوران و مربیان پرورشی اظهار داشتند: «معمولاً دانش‌آموزانی که از نظر علمی و انضباطی از سطح قابل قبولی برخوردار نیستند نیز به سمت هنرستان‌ها سوق داده می‌شوند؛ و اکثریت این دانش‌آموزان هم نیز دارای مشکلات خانوادگی از قبیل (طلاق، فقر و ...) هستند؛ که این عوامل نیز

می‌توانند دانش‌آموزان را به سمت اعتیاد گرایش دهد. حال با وجود این شرایط و تجمع این حجم از دانش‌آموز مستعد گرایش به اعتیاد می‌تواند بسیار خطرناک باشد؛ بنابراین مجاز بودن ثبت‌نام این تیپ از دانش‌آموزان در هنرستان‌ها می‌تواند یک نوع از سیاست‌گذاری‌های نادرست در خصوص شرایط ثبت‌نام دانش‌آموزان باشد. بدین ترتیب با تجمع دانش‌آموزان مستعد گرایش به اعتیاد، کافی است یک دانش‌آموز، مبتلا به اعتیاد باشد و سایر دانش‌آموزان دیگر را هم مبتلا کند».

در جهت پاسخ به سؤال دوم که «چه کسانی یا چه ارگان‌هایی می‌توانند در امر مقابله با آسیب اعتیاد دانش‌آموزان به شما کمک کنند؟» مشاوران و مربیان معتقد بودند که: «همکاری نهاد دولتی همچون فرمانداری‌ها، سپاه پاسداران و بسیج، نیروی انتظامی و ستاد مبارزه با مواد مخدر، مناطق آزاد، پالایشگاه‌ها، شرکت نفت و گروه‌های خیریه» می‌توانند در امر مقابله با آسیب اعتیاد دانش‌آموزان نقش مداخله‌گر و تسهیلگر را داشته باشند تا مشاوران و مربیان پرورشی با همکاری آن‌ها بتوانند بهترین عملکرد را در جهت کاهش آسیب‌های اجتماعی دانش‌آموزان علی‌الخصوص اعتیاد را داشته باشند.

با توجه به تحلیل و واکاوی‌های دقیق و عمیق صورت گرفته در زمینه شرایط مداخله‌گر اعتیاد دانش‌آموزان عواملی مانند: «مسائل مدیریتی و سیاست‌گذاری‌های نادرست در سطح کلان» «عوامل فرهنگی» به‌عنوان عوامل مداخله‌گر اعتیاد دانش‌آموزان از حیث ایجادکننده موانع و محدودیت‌ها در زمینه راهبردهای مقابله با اعتیاد دانش‌آموزان انتخاب شدند. «همیاری ارگان‌های دولتی و غیردولتی و خیرین»، از حیث تسهیلگری و تسریع‌کننده در راهبردهای مقابله‌کننده با اعتیاد دانش‌آموزان تعیین شد.

راهبردها: مصاحبه با مشاوران و مربیان پرورشی نشان می‌دهد راهبردهای مقابله با آسیب اعتیاد دانش‌آموزان در سه حوزه اصلی دسته‌بندی می‌شود. جدول شماره ۴ نشان دهنده این راهبردهاست:

جدول شماره ۴: راهبردها

راهبردهای مقابله با اعتیاد دانش آموزان	مقوله اصلی	مقولات محوری	مفاهیم (کدهای باز)
	راهبردهای شناسایی، حمایتگری و پیشگیرانه	راهبردهای پیشگیرانه	برگزاری کارگاه‌های آموزشی، جلسات مشاوره اختصاصی، نصب تابلو، پوستر و توزیع بروشور، نمایشگاه‌های آموزشی، قطع کردن زنجیره‌های خرید فروش مواد در حوالی مدرسه، انتشار کلیپ‌ها و مطالب آگاهی‌بخش در گروه‌های مجازی، قطع کردن گروه‌های دوستی آسیب‌زا، نصب دوربین‌های مداربسته در نقاط کور، مشارکت دادن در فعالیتهای فرهنگی و ورزشی، آگاهی بخشی در صف‌های صبحگاهی، کلاس‌های تفکر.
		راهبردهای شناسایی	شناسایی مستقیم مشاوران و مربیان، همیاران مشاور و مربی پرورشی، دبیران و عوامل مدرسه، والدین دانش آموزان، سامانه نماد، صندوق ارتباط با مشاور، تفتیش توسط ناظم، مشاور و مربی پرورشی. گشت‌های نیروی انتظامی در اطراف مدرسه.
		راهبردهای حمایتی	ارجاع به هسته مشاوره، پیگیری مداوم، ارجاع به مراکز درمانی و ترک اعتیاد، معرفی به خیرین، ایجاد گروه حمایتی، نگرفتن شهریه ثبت‌نام.

این چارچوب سه‌بعدی نشان می‌دهد رویکرد متخصصان آموزشی در برابر پدیده اعتیاد، ترکیبی از پیشگیری، تشخیص به‌موقع و ارائه حمایت‌های لازم بوده است. بر اساس تحلیل داده‌های کیفی این پژوهش، راهبردهای به کار گرفته‌شده توسط مشاوران و مربیان پرورشی در مقابله با اعتیاد دانش‌آموزان، در چارچوب سه حوزه اصلی قابل دسته‌بندی است. این راهبردها نه تنها بر پایه دانش روان‌شناسی و مشاوره، بلکه در هماهنگی کامل با مبانی تربیتی اسلام طراحی و اجرا شده‌اند.

راهبردهای پیشگیرانه (با فراوانی ۱۲۲): این راهبردها که پرتکرارترین اقدامات گزارش شده هستند، بر «دفع مفسده پیش از وقوع» و عملی‌سازی اصل قرآنی

«وَقِهِمُ السَّيِّئَاتِ» (غافر: ۷) استوارند. مشاوران و مربیان پرورشی معتقد بودند که: «با برگزاری کارگاه‌ها و نمایشگاه‌های آموزشی در جهت آگاه‌سازی دانش‌آموزان نسبت به مضرات و پیامدهای آسیب اعتیاد، با همکاری کارشناسان بهداشت و نیروی انتظامی، مشارکت دادن دانش‌آموزان مستعد آسیب‌های اجتماعی در گروه‌های سرود، تئاتر و گروه‌های ورزشی مدرسه و مشارکت دادن آن‌ها در برگزاری مراسم فرهنگی مدرسه، همچنین با پیگیری‌های مداوم در جهت پاک‌سازی فروشندگان و مصرف‌کنندگان مواد مخدر با همکاری نیروی انتظامی و پیگیری کردن در رابطه با عدم فروش سیگار توسط سوپری‌های اطراف مدرسه به دانش‌آموزان و ناامن کردن محیط‌های خلوت و کور مدرسه با نصب دوربین‌های مداربسته توانسته‌اند در جهت پیشگیری از ورود دانش‌آموزان به آسیب اعتیاد و در نهایت کاهش آن، تأثیرات قابل توجهی را داشته باشند».

مطابقت این راهبردها با مبانی تربیتی اسلام:

- برگزاری کارگاه‌ها و نمایشگاه‌های آموزشی: این اقدام در راستای «تعلیم» و آگاهی‌بخشی است که مقدمه «تزکیه» محسوب می‌شود (جمعه: ۲). محتوای این برنامه‌ها، افزون بر اطلاعات علمی، بر تقویت «عقلانیت» (حجرات: ۶)، «تقوا» و مهار «هوای نفس» (نازعات: ۴۰-۴۱) به‌عنوان سپرهای ایمانی در برابر وسوسه‌ها تأکید دارد.

- مشارکت دادن دانش‌آموزان در گروه‌های فرهنگی، هنری و ورزشی: این اقدام، تجسم عملی سیاست «اشغال اوقات فراغت» با فعالیت‌های «مَعْرُوف» است. این گروه‌ها ضمن ایجاد «حس تعلق» سالم، بستری برای رشد استعدادها و تخلیه انرژی در مسیری مثبت فراهم می‌کنند و از رهنی شیطان («إِنَّمَا يُرِيدُ الشَّيْطَانُ أَنْ يُوقِعَ بَيْنَكُمُ الْعَدَاوَةَ وَالْبَغْضَاءَ...») (مائده: ۹۱) جلوگیری می‌نمایند. همکاری با نهادهای انتظامی و پاک‌سازی محیط مدرسه: این اقدام، مصداق بارز «نَهَى عَنِ الْمُنْكَرِ» (آل عمران: ۱۰۴) در بعد اجتماعی و عملی‌سازی امر به «إِمَامَةُ الْأَذَى عَنِ الطَّرِيقِ» به‌عنوان شاخه‌ای از ایمان (حدیث) است. ایجاد محیطی پاک و امن، یک تکلیف جمعی برای مبارزه با زمینه‌های وقوع گناه است.

-نصب دوربین‌های مداربسته: اگرچه این اقدام ممکن است جنبه‌ای مراقبتی داشته باشد؛ اما در نگاه اسلامی، می‌توان آن را در جهت ایجاد «رقابت در خیرات» و تقویت «مراقبت از خود در خلوت» (حفظ حرمت غیبت و مراقبت از نفس) تفسیر کرد، مشابه مفهومی که در «مراقبه» عرفانی و اصل «احسان» (عبادت چنانکه گویی خدا را می‌بینی) نهفته است.

اقدامات شناسایی: مشارکت‌کنندگان این تحقیق یعنی مشاوران و مربیان پرورشی در رابطه با اقدامات شناسایی افراد مبتلا به اعتیاد و یا مشکوک به اعتیاد، اظهار داشتند که: «علاوه بر شناسایی مستقیم توسط خودشان توانسته‌اند به‌واسطه آموزش علائم ابتدایی دانش‌آموزان معتاد به کادر مدرسه یعنی مدیر معلمان و معاونان و والدین دانش‌آموزان، ایجاد صندوق ارتباط با مشاوره در جهت شناسایی مبتلایان به اعتیاد تسهیلگری کنند و علاوه بر آن معتقد بودن به‌واسطه سامانه نماد و تفتیش‌های سرزده در کلاس در جهت شناسایی دانش‌آموزان مبتلا به اعتیاد موفق باشند».

مطابقت این راهبردها با مبانی تربیتی اسلام: این راهبردها بر پایه اصل قرآنی «إِنْ جَاءَكُمْ فَاسِقٌ بِنَبَأٍ فَتَبَيَّنُوا» (حجرات: ۶) و مسئولیت «النَّصِيحَةُ» برای جامعه مسلمین استوار است. اقدامات این حوزه شامل:

-آموزش کادر آموزشی و والدین: این کار، توانمندسازی «اولیاء الامر» کوچک (والدین و معلمان) برای انجام وظیفه «الأمر بالمعروف و النهی عن المنکر» در دایره نفوذ خود است.

-ایجاد صندوق ارتباط و استفاده از سامانه نماد: این ابزارها، بسترهای محرمانه و کم‌تهدیدی برای «ابلاغ» و «استعانت طلبی» فراهم می‌کنند و امکان مداخله به‌موقع را میسر می‌سازند. این رویکرد، با روح تعالیم اسلامی که بر رفع حاجت مؤمن (حدیث) و جلوگیری از افشای اسرار تأکید دارد، همسو است.

-تفتیش‌های سرزده: این اقدام اگر با رعایت کامل «حرمت» و «کرامت» دانش‌آموز و به‌عنوان آخرین راه‌حل و با هدف «دفع افسد به فاسد» انجام گیرد، در چارچوب مسئولیت مراقبت («الحفظ») و «الرَّعَايَةُ» که مربی بر عهده دارد، قابل توجیه است. مشابه نظارت ولی بر امور تحت سرپرستی خود برای

جلوگیری از وقوع در مهالک.

اقدامات حمایتی: مشاوران و مربیان پرورشی در زمینه نقش و اقدامات حمایتگری خود نسبت به مقابله با آسیب اعتیاد دانش‌آموزان. معتقد بودند که: «با توجه به محدودیت‌ها و نبود امکانات و دانش کافی، در امر درمان کامل دانش‌آموزان مبتلا به اعتیاد چندان موفق نبوده‌اند و تنها با حمایت‌های خود در زمینه ارجاع آن‌ها به هسته مشاوره اداره آ. پ، مراکز درمانی و ترک اعتیاد و ایجاد گروه‌های حمایتی متشکل از کادر مدرسه و خیرین و معرفی به گروه‌های خیریه به جهت حمایت آن‌ها در زمینه تأمین هزینه‌های درمان یا اقدامات تشویقی نظیر: «نگرفتن شهریه ثبت‌نام از دانش‌آموزانی که در فرایند ترک اعتیاد هستند. توانسته‌اند در جهت کاهش این آسیب مؤثر باشند».

مطابقت این راهبردها با مبانی تربیتی اسلام: این راهبردها تجلی کامل مفاهیم «نَعَاوُنُوا عَلَى الْبِرِّ وَالْتَقُوا» (مائده: ۲) و «إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ إِخْوَةٌ» (حجرات: ۱۰) هستند. اقدامات این حوزه متمرکز بر:

ارجاع به مراکز تخصصی: پذیرش محدودیت‌های خود و استفاده از تخصص دیگران، مصداق «فَاسْأَلُوا أَهْلَ الذِّكْرِ» (نحل: ۴۳) و عین خردورزی است. -ایجاد گروه‌های حمایتی با مشارکت خیرین: این اقدام، نهادینه‌سازی «احسان» و «انفاق» (بقره: ۲۶۱) در قالب شبکه‌های اجتماعی حمایتی است که هم دل‌ها را به هم پیوند می‌زند و هم نیاز مادی را برطرف می‌کند.

-ارائه حمایت‌های مالی و تشویقی، معافیت از شهریه: این موارد، عملی‌سازی دستور اسلام به رفع «حاجت» برادر مؤمن (حدیث) و تشویق به بازگشت («تَوْبَهُ») است. اسلام برای بازگرداندن فرد به مسیر صحیح، هم تشویق معنوی (وعده مغفرت) و هم تسهیلات عملی (رفع موانع مادی) را توصیه می‌کند. براین اساس یافته‌ها نشان می‌دهد اگرچه تمرکز اصلی بر پیشگیری (مطابق با اصل حاکم «ذَرَّ الْمَافِاسِدَ أُولَىٰ مِنْ جَلْبِ الْمَصَالِحِ») بوده است؛ اما اقدامات شناسایی (به‌عنوان «امر به معروف و نهی از منکر» فعال) و حمایتی (به‌عنوان «تعاون بر برّ و تقوا» و ترمیم‌گرایی) نیز به‌عنوان مکمل‌های ضروری این راهبردها، نقش

مهمی ایفا کرده‌اند. این سه گانه راهبردی، در واقع، چارچوبی منسجم را شکل می‌دهد که از آموزه و آگاهی‌بخشی (پیشگیری) آغاز می‌شود، با مراقبت و مداخله به‌موقع (شناسایی) ادامه می‌یابد و با حمایت و یاری‌رسانی (جبران و بازگشت) به کمال می‌رسد. این الگو، بازتابی از منظومه جامع تربیت اسلامی است که در آن، «تعلیم»، «تزکیه» و «احسان» در یک پیوستار هدفمند قرار می‌گیرند.

پیامدها: تحلیل داده‌های کیفی نشان می‌دهد پدیده اعتیاد دانش‌آموزان و اقدامات مقابله‌ای مشاوران دارای پیامدهای متعددی است که در جدول شماره ۵ ذکر شده است:

جدول شماره ۵: پیامدها

مقوله اصلی	مقولات محوری	مفاهیم (کدهای باز)
<p style="writing-mode: vertical-rl; transform: rotate(180deg);">پیامدهای ابتلا دانش‌آموزان به اعتیاد و راهبردهای مقابله‌کننده مشاوران و مربیان با آن</p>	پیامدهای اجتماعی	از بین رفتن آرامش و بنیان خانواده، افزایش تکدی‌گری، کاهش ازدواج و جمعیت، افزایش گروه‌های دوستانه ناسالم، فراگیری اعتیاد در جامعه، گسترش بیماری‌های عفونی و ویروسی، افزایش آمار زندانیان.
	پیامدهای اقتصادی	از بین رفتن هزینه‌های مصرفی آموزش نیروی انسانی فعال، تحمیل هزینه‌های کنترل معتادان به دولت، کاهش نیروی فعال بازار کار.
	پیامدهای امنیتی	افزایش سرقت، خفت‌گیری، درگیری و قتل، ناامن شدن پارک‌ها و اماکن تفریحی، افزایش تعداد فروشندگان مواد مخدر.
	تسهیلگری در شناسایی دانش‌آموزان مبتلا	افزایش همکاری خانواده‌ها و دانش‌آموزان و همکاران جهت شناسایی دانش‌آموزان مبتلا به اعتیاد، افزایش همکاری دانش‌آموزان و خانواده جهت شناسایی فروشندگان مواد مخدر.
	آگاهی‌بخشی و پیشگیری	آگاه شدن دانش‌آموزان نسبت به مضرات اعتیاد، آگاه شدن والدین نسبت به مهارت‌های فرزند پروری، بهبود روابط والدین با فرزندان.

پیامدهای اجتماعی، امنیتی و اقتصادی از جمله پیامدهای منفی اعتیاد دانش‌آموزان و تسهیلگری در شناسایی، آگاهی‌بخشی و پیشگیری از جمله پیامدهای مثبت اقدامات مشاوران و مربیان پرورشی است. یافته‌ها حاکی از آن است که اگرچه اعتیاد دانش‌آموزان موجب بروز پیامدهای زیان‌بار چندبعدی می‌شود؛ اما مداخلات هدفمند مشاوران و مربیان پرورشی توانسته از طریق راهبردهای پیشگیرانه، شناسایی و آگاهی‌بخشی به نتایج مثبت قابل توجهی در کاهش این آسیب اجتماعی دست یابد. پیامدهای اجتماعی: از نظر مشاوران و مربیان پرورشی مدارس، مبتلا شدن دانش‌آموزان به اعتیاد، پیامدهای زیانباری در حوزه اجتماعی جامعه می‌تواند به دنبال داشته باشد. پیامدهایی نظیر از بین رفتن آرامش و بنیان خانواده، افزایش تکدی‌گری، کاهش ازدواج و جمعیت، افزایش گروه‌های دوستانه ناسالم، فراگیری اعتیاد در جامعه، گسترش بیماری‌های عفونی و ویروسی (هپاتیت و ایدز) و افزایش آمار زندانیان.

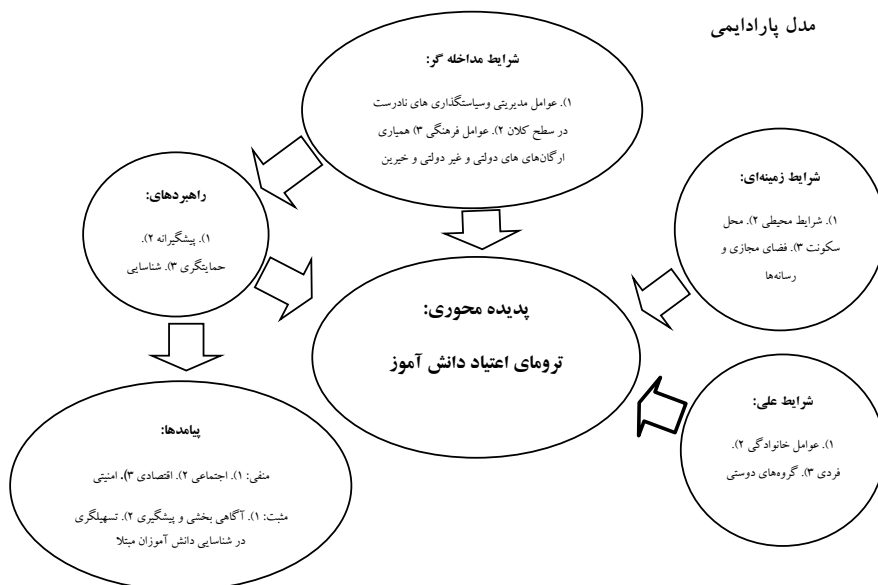
پیامدهای اقتصادی: مصاحبه‌شوندگان و مربیان نیز اظهار داشتند که «مبتلا شدن دانش‌آموزان به اعتیاد، پیامدهای زیانباری در حوزه اقتصادی جامعه در پی خواهد داشت. پیامدهایی نظیر از بین رفتن هزینه‌های مصرفی آموزش نیروی انسانی فعال، تحمیل هزینه‌های کنترل معتادان به دولت، کاهش نیروی فعال بازار کار».

پیامدهای امنیتی: از نظر مشاوران و مربیان پرورشی، «افزایش سرقت و دزدی، خفت‌گیری و درگیری‌ها، ناامن شدن پارک‌ها و اماکن تفریحی، افزایش قتل و جنایات در جامعه و افزایش تعداد فروشندگان مواد مخدر، می‌تواند از پیامدهای زیان‌بار مبتلا شدن دانش‌آموزان به اعتیاد در حوزه امنیتی جامعه باشند».

تسهیلگری در شناسایی: از نظر مشاوران و مربیان پرورشی پس برگزاری نمایشگاه‌ها و کارگاه‌های آگاهی‌بخشی برای دانش‌آموزان، همکاران و خانواده‌ها، «همکاری خانواده‌ها دبیران، عوامل مدرسه و دانش‌آموزان جهت شناسایی دانش‌آموزان مبتلا به اعتیاد افزایش یافت، همچنین همکاری دانش‌آموزان و خانواده نیز در جهت شناسایی فروشندگان مواد مخدر بیشتر شد».

آگاهی‌بخشی و پیشگیری: آگاهی‌بخشی و پیشگیری، همان‌گونه که در جدول

(جدول شماره ۱۵) مشخص است، خود شامل زیر مقولات و مفاهیمی همچون: (آگاه شدن دانش آموزان نسبت به مضرات اعتیاد، آگاه شدن والدین نسبت به مهارت‌های فرزند پروری، بهبود روابط والدین با فرزندان) است. با تأمل در کدهای محوری احصاء شده در خصوص پیامدهای مبتلا شدن دانش آموزان به اعتیاد و پیامدهای راهبردهای مقابله کننده مشاوران و مربیان پرورشی با این آسیب، «پیامدهای اجتماعی، اقتصادی، تسهیلگری و پیشگیری» به عنوان کد انتخابی (گزینشی) پیامدهای ابتلا دانش آموزان به اعتیاد و راهبردهای مقابله با آن انتخاب شد. مقوله هسته: بر اساس تحلیل‌های صورت گرفته در چارچوب نظریه داده بنیاد، مقوله هسته‌ای پژوهش حاضر به عنوان «اپیدمی چندوجهی اعتیاد دانش آموزان» تعیین شد. این مقوله هسته‌ای، نشان می‌دهد که پدیده اعتیاد دانش آموزان برآیند تعامل پیچیده و چند سطحی مجموعه‌ای از عوامل (محیطی، خانوادگی، فردی، همسالان و فضای مجازی) است و هیچ‌یک از این عوامل به تنهایی نمی‌توانند تبیین کننده کامل این پدیده باشند. این تحلیل بر ضرورت اتخاذ رویکردی همه‌جانبه و نظام‌مند در طراحی برنامه‌های پیشگیرانه تأکید دارد.



ب) یافته‌های کمی

۱. عوامل زمینه‌ساز اعتیاد دانش‌آموزان (از نظر دانش‌آموزان)
در فاز کمی این پژوهش، به منظور اعتباریابی یافته‌های کیفی و بررسی عمیق‌تر نقش مشاوران، از روش پیمایش با ابزار پرسشنامه استفاده شد. داده‌های گردآوری‌شده از دانش‌آموزان با استفاده از نرم‌افزار SPSS و در سطح آمار توصیفی و استنباطی مورد تحلیل قرار گرفت. برای شناسایی عوامل زمینه‌ساز گرایش به اعتیاد، پاسخ‌های دارای بیشترین فراوانی از طریق فرآیند تحلیل سؤالات چند پاسخی مورد بررسی قرار گرفت.

جدول شماره ۶: عوامل زمینه‌ساز اعتیاد دانش‌آموزان

ردیف	عوامل زمینه‌ساز اعتیاد دانش‌آموزان	فراوانی	درصد
۱	فقر و مشکلات اقتصادی	۳۵۴	۱۲,۱۱
۲	دوستی با دوستان ناباب و معتاد	۳۴۷	۱۱,۸۷
۳	احساس بزرگی، قدرتمندی و غرور کاذب	۳۲۳	۱۱,۰۵
۴	اعتیاد در خانواده	۳۲۱	۱۱
۵	کنجکاوای در کسب تجربه	۲۵۴	۸,۶۸
۶	رهایی از مشکلات و نگرانی‌ها	۲۵۴	۸,۶۸
۷	طلاق و متارکه والدین	۲۱۶	۷,۳۹
۸	بی‌توجهی خانواده نسبت به فرزند	۲۰۷	۷,۰۸
۹	الگوپذیری از بلاگرها و سلبریتی‌ها	۱۹۷	۶,۷۴
۱۰	ارزانی و دسترسی آسان به مواد مخدر	۱۸۷	۶,۴۰
۱۱	قطع ارتباط با دوست‌دختر خود	۱۴۶	۵
۱۲	الگوپذیری از دانش‌آموزان مبتلا به مصرف	۱۱۵	۴
	جمع کل	۲۹۲۱	۱۰۰

یافته‌های حاصل از نظرسنجی دانش‌آموزان نشان می‌دهد که گرایش به اعتیاد پدیده‌ای چندعاملی است و از ترکیب عوامل اقتصادی، اجتماعی و روان‌شناختی تأثیر می‌پذیرد. در این میان، فقر و مشکلات اقتصادی با سهم (۱۲.۱۱ درصد)، به‌عنوان مهم‌ترین عامل زمینه‌ساز گرایش به مصرف مواد شناسایی شده است که بیانگر نقش تعیین‌کننده شرایط ساختاری و معیشتی در شکل‌گیری این آسیب اجتماعی است. پس از آن، دوستی با افراد ناباب و معتاد با (۱۱.۸۷ درصد) و احساس بزرگی و غرور کاذب با (۱۱.۰۵ درصد)، در زمره عوامل مهم قرار دارند که به‌ترتیب نشان‌دهنده تأثیر قابل توجه گروه همسالان و ویژگی‌های شخصیتی و روانی در این زمینه هستند. همچنین، وجود اعتیاد در خانواده با سهم (۱۱ درصد)، بر اهمیت محیط خانوادگی و الگوهای رفتاری درون خانواده در گرایش نوجوانان به مصرف مواد تأکید دارد. در سطحی دیگر، عواملی نظیر کنجکاوی و تمایل به رهایی از مشکلات هرکدام با (۸.۶۸ درصد)، بیانگر نقش انگیزه‌های درونی و نیازهای روانی نوجوانان در تجربه‌گرایی و فرار از فشارهای زندگی هستند. افزون بر این، متغیرهایی مانند طلاق والدین (۷.۳۹ درصد) و بی‌توجهی خانواده (۷.۰۸ درصد) نشان‌دهنده تأثیر تضعیف انسجام خانوادگی و کاهش حمایت عاطفی بر افزایش آسیب‌پذیری نوجوانان است. در ادامه، عواملی همچون الگوپذیری از سلبریتی‌ها (۶.۷۴ درصد) و دسترسی آسان به مواد مخدر (۶.۴۰ درصد) نقش بسترهای فرهنگی و محیطی را برجسته می‌سازند. همچنین، قطع رابطه عاطفی (۵ درصد) و الگوگیری از همسالان مصرف‌کننده در مدرسه (۴ درصد) نیز هرچند با سهم کمتر، اما همچنان به‌عنوان عوامل مؤثر در این زمینه مطرح هستند. در مجموع، داده‌های به‌دست‌آمده نشان می‌دهد که گرایش به اعتیاد در میان دانش‌آموزان حاصل برهم‌کنش سه دسته عامل اصلی است: عوامل ساختاری (مانند فقر و شرایط اقتصادی و خانوادگی)، فشار و نفوذ گروه همسالان، و نیازها و ویژگی‌های روان‌شناختی فردی. این هم‌افزایی چندبعدی بیانگر آن است که هرگونه مداخله پیشگیرانه، نیازمند رویکردی جامع و چندسطحی است که به‌طور هم‌زمان ابعاد اقتصادی، خانوادگی، اجتماعی و

روانی را مدنظر قرار دهد.

۲. یافته‌های مربوط به فعالیت و تأثیرگذاری مشاوران و مربیان پرورشی از نظر دانش‌آموزان

در راستای هدف اصلی پژوهش که سنجش میزان تأثیرگذاری فعالیت‌های مشاوران و مربیان پرورشی بر کاهش اعتیاد است، دو فرضیه زیر طراحی و مورد آزمون قرار گرفت:

۱. بین میزان فعالیت‌های پیشگیرانه مشاوران و مربیان پرورشی در مدارس و گرایش به اعتیاد دانش‌آموزان رابطه معکوس و معناداری وجود دارد.

۲. بین میزان فعالیت‌های حمایتی_درمانی مشاوران و مربیان پرورشی در مدارس و گرایش به اعتیاد دانش‌آموزان رابطه معکوس و معناداری وجود دارد.

در این پژوهش، به دلیل ترتیبی بودن سطح سنجش متغیرها و نیز حجم نمونه (۳۶۳ نفر)، از روش‌های آماری ناپارامتریک برای تحلیل داده‌ها استفاده شد. برای بررسی رابطه بین متغیرهای تحقیق، با توجه به ماهیت رتبه‌ای داده‌ها و عدم برقراری پیش‌فرض توزیع نرمال، از ضریب همبستگی «کنندال تاو-بی» بهره گرفته شد. این آزمون به دلیل عدم وابستگی به فرض نرمال بودن توزیع داده‌ها و سازگاری با داده‌های رتبه‌ای و نمونه‌های با حجم متوسط تا بزرگ، مقاومت در برابر داده‌های پرت و تناسب با ماتریس‌های دارای مقادیر تکراری، گزینه مناسبی برای داده‌های ترتیبی با حجم نمونه مذکور تشخیص داده شد. الف) فرضیه: بین میزان فعالیت‌های پیشگیرانه مشاوران و مربیان پرورشی در مدارس و گرایش به اعتیاد دانش‌آموزان رابطه معکوس و معناداری وجود دارد.

جدول شماره ۷: آزمون (کنندال) دو متغیر فرضیه بین فعالیت‌های پیشگیرانه و اعتیاد دانش‌آموزان

حجم نمونه	شدت آزمون کنندال	sig آزمون کنندال
۳۶۳	-۰٫۶۳	۰٫۰۰۱

ضریب شدت آزمون کندال ($-0/63$) و مقدار ($sig: 0/001$) نشان‌دهنده یک «رابطه معکوس با قدرت بسیار قوی» و معنادار است. این بدان معناست که به ازای هر واحد افزایش در فعالیت مشاوران، گرایش به اعتیاد به‌طور معنی‌داری کاهش می‌یابد. براین اساس نتایج آزمون، فرضیه تحقیق را به‌طور قاطع تأیید می‌کند. این یافته کمی، سند آماری محکمی است که نشان می‌دهد فعالیت مشاوران به‌صورت نظام‌مند و معناداری با کاهش گرایش به اعتیاد همراه است.

به‌عبارت‌دیگر، وقتی در داده‌های کیفی می‌شنویم که «دانش‌آموزان احساس می‌کنند کارگاه‌های مشاوره به آن‌ها «نه گفتن» را یاد داده» یا «مشاور مدرسه یک تکیه‌گاه امن است»، این گزارش‌های ذهنی اکنون پشتوانه آماری یافته‌اند. عدد ($-0/63$) نشان می‌دهد این تجربیات کیفی، تصادفی یا حاشیه‌ای نبوده، بلکه الگویی سیستماتیک و قابل‌اندازه‌گیری در جمعیت دانش‌آموزی ایجاد کرده‌اند. همچنین ضریب معنادار منفی، نقش فعال و مؤثر مشاوران و مربیان پرورشی در «خط مقدم پیشگیری» را از سطح «احتمال» و «باور» به سطح «اثبات تجربی» ارتقا می‌دهد. این آمار به ما می‌گوید که مداخلات مشاوره‌ای صرفاً جنبه رمزی یا فرمالیته اداری ندارند، بلکه یک سرمایه‌گذاری مؤثر در سلامت عمومی مدرسه هستند. آن‌ها مانند یک واکنش روانی-اجتماعی عمل می‌کنند که احتمال ابتلای به رفتار پرخطر اعتیاد را کاهش می‌دهد.

ب) فرضیه: بین میزان فعالیت‌های حمایتی_درمانی مشاوران و مربیان پرورشی در مدارس و گرایش به اعتیاد دانش‌آموزان رابطه معکوس و معناداری وجود دارد.

جدول شماره ۸: آزمون (کندال) دومتغیر فرضیه بین فعالیت‌های حمایتی درمانی و اعتیاد دانش‌آموزان

حجم نمونه	شدت آزمون کندال	sig آزمون کندال
۳۶۳	-۰,۳۵	۰,۰۰۱

ضریب شدت آزمون کندال ($-0/35$) و مقدار ($0/01$:sig) نشان‌دهنده یک «رابطه معکوس با قدرت متوسط» و معنادار است. این بدان معناست که به ازای هر واحد افزایش در فعالیت مشاوران، گرایش به اعتیاد به‌طور معنی‌داری کاهش می‌یابد. براین اساس نتایج آزمون، فرضیه تحقیق را تأیید می‌کند. این یافته حاکی از آن است که مداخلات حمایتی-درمانی مشاوران و مربیان مدارس نقشی فراتر از یک اقدام نمادین ایفا می‌نماید و نشان می‌دهد که فعالیت مشاوران به‌صورت نظام‌مند و معناداری با کاهش گرایش دانش‌آموزان به اعتیاد همراه است. براین اساس «فعالیت‌های حمایتی-درمانی مشاوران و مربیان» می‌تواند عوامل زمینه‌ساز گرایش به اعتیاد (نظیر مشکلات خانوادگی، فشار همسالان) و پیامدهای منفی آن‌ها (گرایش به اعتیاد) را تضعیف نماید و در مقابل ارائه حمایت هدفمند به دانش‌آموزان در معرض خطر، تاب‌آوری فردی و اجتماعی آنان را در برابر شرایط استرس‌زا افزایش دهد. همچنین این گونه مداخلات با تقویت «خودپنداره مثبت» و «احساس کارآمدی شخصی» در دانش‌آموزان، گرایش به راهبردهای مقابله‌نا سازگارانه (مانند مصرف مواد مخدر) را کاهش می‌دهد. دانش‌آموزی که احساس می‌کند در مواجهه با مشکلات، مورد حمایت نظام مدرسه قرار می‌گیرد، کمتر به دنبال راه‌حل‌های خارج از این نظام می‌رود. یافته‌های حاضر در بخش کمی، نه تنها فرضیات پژوهش را تأیید می‌نماید بلکه بر اهمیت «نقش فعال و نظام‌مند مشاوران در ایجاد ایمنی روانی-اجتماعی مدرسه» صحه می‌گذارد. «فعالیت‌های پیشگیرانه و حمایتی-درمانی»، مدارس را از نهادهای صرفاً آموزشی به «محیط‌های توانمندساز و سلامت‌محور» تبدیل می‌نماید که می‌توانند در تقابل با جریان‌های آسیب‌زای اجتماعی ایستادگی کنند. این یافته‌ها، مشاوره مدرسه را به‌عنوان یک «راهبرد مؤثر و مبتنی بر شواهد» در پیشگیری از آسیب‌های اجتماعی معرفی می‌کند.

بحث و نتیجه‌گیری

پژوهش حاضر با هدف تحلیل نظام‌مند عوامل مؤثر بر گرایش دانش‌آموزان

به اعتیاد و تبیین نقش راهبردی مشاوران و مربیان پرورشی، با بهره‌گیری از رویکرد ترکیبی (کیفی- کمی) انجام شد و نتایج آن نشان داد که پدیده اعتیاد در میان دانش‌آموزان، برآیندی پیچیده، چندلایه و پویا از تعامل مستمر و درهم‌تنیده عوامل گوناگون در چارچوبی اکولوژیک-سیستمی است؛ به گونه‌ای که عوامل فردی (نظیر سطح تاب‌آوری، مهارت‌های مقابله‌ای، خودکارآمدی، سبک‌های تصمیم‌گیری و ویژگی‌های شخصیتی)، عوامل خانوادگی (از جمله سبک‌های فرزندپروری، میزان نظارت و کنترل والدین، کیفیت روابط عاطفی، تعارضات خانوادگی و انسجام یا گسست خانواده)، عوامل گروه همسالان (شامل هنجارهای حاکم بر گروه، فشارهای مستقیم و غیرمستقیم، الگوهای رفتاری دوستان و کیفیت انتخاب شبکه دوستی)، عوامل محیطی و ساختاری (مانند دسترسی به مواد، شرایط اقتصادی-اجتماعی، هنجارهای محلی و بافت فرهنگی جامعه) و نیز به‌طور فزاینده عوامل فناورانه و فضای مجازی (از قبیل دسترسی آسان به اطلاعات نادرست، عادی‌سازی مصرف در شبکه‌های اجتماعی، حضور در گروه‌های پرخطر و کاهش نظارت اجتماعی سنتی)، به‌صورت تعاملی و تقویت‌کننده یا تضعیف‌کننده یکدیگر، در شکل‌گیری، تداوم یا پیشگیری از گرایش به مصرف مواد نقش‌آفرینی می‌کنند. این یافته‌ها ضمن همسویی معنادار با بدنه گسترده‌ای از تحقیقات بین‌المللی (شریدان و همکاران، ۲۰۲۲؛ ویگناتا گلیاتتی و همکاران، ۲۰۲۲) و پژوهش‌های داخلی (آهنی، ۱۴۰۰؛ سرخوش، ۱۴۰۰؛ جهادگر و عارف‌نیا، ۱۴۰۲)، با عبور از رویکردهای تقلیل‌گرایانه و سنجش‌های صرفاً کمی و سطحی که در برخی مطالعات (نظیر جونز و همکاران، ۲۰۲۱) مشاهده می‌شود، از طریق کاوش عمیق کیفی، به تبیین دقیق‌تر فرآیندها، مسیرها و مکانیسم‌هایی پرداخته است که چگونگی تعامل این عوامل و تشدید یا کاهش آسیب‌پذیری دانش‌آموزان را روشن می‌سازد و تصویری چندبعدی و واقع‌گرایانه از این پدیده ارائه می‌دهد. در کانون این منظومه پیچیده، یافته‌ها به‌روشنی نقش محوری، چندوجهی و راهبردی مشاوران و مربیان پرورشی را برجسته می‌سازد؛ به گونه‌ای که این کنشگران نه تنها به‌عنوان مجریان برنامه‌های آموزشی، بلکه به‌مثابه عاملان

تغییر، تسهیل گران ارتباطی و ناظران حرفه‌ای در نظام پیشگیری مدرسه‌محور عمل می‌کنند. این نقش، فراتر از کارکردهای سنتی، دربرگیرنده ابعاد (پیشگیرانه، شناسایی زود هنگام، مداخله حمایتی و هدایتگری) است؛ به طوری که آنان با ایجاد فضایی امن، اعتماد محور، مشارکت‌زا و عاری از قضاوت، زمینه بروز و بیان مسائل پنهان دانش‌آموزان را فراهم ساخته و امکان مراجعه داوطلبانه، خودافشایی و گزارش‌دهی مسئولانه را تقویت می‌کنند. افزون بر این، مشاوران و مربیان از طریق طراحی و اجرای برنامه‌های آموزشی هدفمند در حوزه مهارت‌های زندگی (نظیر کنترل هیجان، نه گفتن و تصمیم‌گیری)، تقویت تاب‌آوری و خودکارآمدی، به‌طور مستقیم بر ساحت فردی دانش‌آموزان اثر گذاشته و در عین حال با برقراری تعامل سازنده با خانواده‌ها، آموزش والدین و ایجاد پیوند مؤثر میان خانه و مدرسه، بر بهبود کارکردهای خانوادگی نیز تأثیرگذارند؛ همچنین از طریق هدایت و تقویت شبکه‌های همسالان مثبت و ایجاد هنجارهای حمایتی در محیط مدرسه، به مدیریت و تعدیل فشارهای اجتماعی کمک می‌کنند. این عملکرد چندسطحی و یکپارچه، مدرسه را از یک نهاد صرفاً انتقال‌دهنده دانش، به یک «کانون مراقبتی، حمایتی و پیشگیرنده» ارتقا می‌دهد که قادر است به‌صورت فعال و پیش‌دستانه، در برابر طیف گسترده‌ای از عوامل خطر، نقش حفاظتی ایفا کند؛ یافته‌ای که در بخش کمی پژوهش نیز با تأیید اثربخشی مداخلات نظام‌مند و چندبعدی، بر وجود یک «الگوی عملیاتی کارآمد و قابل اتکا» دلالت دارد و همخوان با نتایج برخی مطالعات داخلی است. باین‌حال، تحلیل یافته‌ها نشان‌دهنده وجود شکافی قابل توجه میان ظرفیت‌های بالقوه این نظام و شرایط بالفعل اجرایی آن است؛ به گونه‌ای که مشاوران و مربیان پرورشی با مجموعه‌ای از موانع ساختاری، سازمانی و حرفه‌ای مواجه‌اند، از جمله کمبود منابع و امکانات تخصصی، تراکم بالای وظایف اداری و غیرتخصصی، نبود سیاست‌گذاری منسجم و هماهنگ در سطح کلان، فقدان برنامه درسی ملی یکپارچه در حوزه پیشگیری از آسیب‌های اجتماعی، ضعف در نظام آموزش ضمن خدمت و به‌روزرسانی دانش حرفه‌ای، و در برخی موارد، عدم جایگاه نهادی متناسب با اهمیت نقش

آنان؛ چالش‌هایی که در پژوهش‌های پیشین (نظیر طیبی، ۱۴۰۰) نیز مورد اشاره قرار گرفته و عملاً مانع از تحقق کامل ظرفیت‌های این نقش راهبردی می‌شود. بر این اساس، نتیجه‌گیری نهایی پژوهش بر ضرورت گذار بنیادین از رویکردهای تقلیل‌گرا، مقطعی و واکنشی به سوی اتخاذ یک چارچوب جامع، یکپارچه، پیش‌نگر و بومی تأکید دارد که در آن، با سرمایه‌گذاری هدفمند و نظام‌مند در توانمندسازی حرفه‌ای، تجهیز زیرساختی و حمایت سیاستی از نظام مشاوره و تربیت در مدارس، زمینه برای طراحی و اجرای مداخلات پیشگیرانه مبتنی بر شواهد، متناسب با بافت فرهنگی-اجتماعی ایران فراهم شود؛ رویکردی که به‌طور هم‌زمان بر تقویت عوامل محافظتی (نظیر پیوند عاطفی با مدرسه، حمایت اجتماعی، دینداری و خودکارآمدی) و تضعیف عوامل خطر ساز تمرکز دارد و می‌تواند به‌عنوان یک راهبرد پیش‌دستانه و کم‌هزینه در بلندمدت، از بروز و گسترش آسیب اعتیاد جلوگیری نماید. در نهایت، این پژوهش با تأکید بر اهمیت توسعه دانش بومی در این حوزه، انجام مطالعات آتی را در جهت طراحی، اعتبارسنجی و بومی‌سازی الگوهای تلفیقی مداخله (با تلفیق ابعاد روان‌شناختی، اجتماعی و فرهنگی-دینی) و نیز ارزیابی طولی پیامدهای برنامه‌های پیشگیرانه یکپارچه مدرسه‌محور بر سلامت روانی-اجتماعی دانش‌آموزان، ارتقای کیفیت زندگی آنان و کاهش پایدار رفتارهای پرخطر، ضرورتی انکارناپذیر می‌داند.

پیشنهادها، توصیه‌ها و راهبرد

۱. توسعه کیفی و کمی نیروی انسانی: استخدام مشاوران متخصص در حوزه «خانواده و آسیب‌های اجتماعی».
۲. توانمندسازی خانواده‌ها: اجرای برنامه‌های آموزشی برای والدین با عنوان «مهارت‌های تربیت دینی در عصر دیجیتال» برای مقابله با تأثیرات فضای مجازی.
۳. تولید محتوای دینی-آموزشی: تولید بسته‌های آموزشی چندرسانه‌ای.
۴. تقویت شبکه همکاری‌های بین‌بخشی: ایجاد سازوکار رسمی برای همکاری

مستمر بین آموزش و پرورش، نهادهای مذهبی (حوزه‌های علمیه، هیئت‌های مذهبی)، نیروی انتظامی و بهزیستی.

۵. ایجاد سامانه الکترونیکی رصد رفتار: طراحی «پرونده الکترونیکی سلامت روان-رفتاری دانش‌آموز» با رعایت کامل اصل «حفظ اسرار» برای پیگیری و مداخله به موقع.

سپاسگزاری

از حمایت مالی «پژوهشگاه مطالعات وزارت آموزش و پرورش» و همکاری صادقانه کلیه مشاوران، مربیان پرورشی، مدیران و دانش‌آموزان شرکت‌کننده در پنج شهرستان مورد مطالعه، صمیمانه سپاسگزاریم.

منابع

- قرآن کریم.
- آهنی، فاطمه. (۱۴۰۰). «راهکارهای پیشنهادی برای مقابله با افزایش گرایش به اعتیاد در دانش آموزان». فصلنامه پژوهش‌های کاربردی در مدیریت و علوم انسانی. ۲ (۵). صص ۱۰۸-۱۱۶.
- باقری کراچی، امین و مهرابی، امیرحسین. (۱۳۹۶). «مقایسه نگرش به آسیب اجتماعی در دانش آموزان بر حسب زمینه‌های خانوادگی». فصلنامه دانشکده علوم فنون و انتظامی. ۹ (۴). صص ۵-۲۰.
- شناگو محور، غلامرضا؛ محمدیان، شهرام؛ رستگار، محمدعارف و گلزارنیا، محمد. (۱۳۹۶). «بررسی نقش مشاوره بر کاهش آسیب‌های اجتماعی و راه‌های پیشگیری از آن». مجموعه مقالات سومین همایش ملی پژوهش‌های نوین در حوزه علوم انسانی و مطالعات اجتماعی ایران. تهران: دبیرخانه دائمی همایش. صص ۱-۱۲.
- جهادگر، عصمت و عارف‌نیا، ابودر. (۱۴۰۲). «تأثیر الگوهای مشاوره‌ای در کاهش میزان آسیب‌های اجتماعی و روانی دانش آموزان متوسطه دوم منطقه چاروسا استان کهگیلویه و بویراحمد در سال ۱۴۰۲-۱۴۰۳». مجموعه مقالات بیست و یکمین کنفرانس ملی روانشناسی، علوم تربیتی و اجتماعی. تهران: بنیاد پژوهشی علوم رفتاری ایران. صص ۱۱-۱.
- خبرگزاری فارس. (۱۴۰۲، ۱۵ شهریور). گزارش مرکز پژوهش‌های مجلس از وضعیت اعتیاد در کشور. رحیمی موقر، آفرین؛ محمد، کاظم؛ رزاقی عمران، محمد. (۱۳۹۳). روند ۳۰ ساله وضعیت سوء مصرف مواد در ایران. تهران: مؤسسه فرهنگی و اطلاع‌رسانی تبیان، صص ۱۷۱-۱۸۲.
- سرخوش، زهرا؛ اسماعیلی، الهام؛ عزیزی‌نژاد، بهاره و عباسیان شیرزاد، مهناز. (۱۴۰۰). «نقش مشاوره و آموزش در پیشگیری از آسیب‌های اجتماعی». مجموعه مقالات همایش علمی پژوهشی علوم تربیتی و روانشناسی، آسیب‌های اجتماعی و فرهنگی ایران. تهران: دانشگاه تهران. صص ۱۱-۱.
- سلیمانی، محمد و رضایی، فاطمه. (۱۳۹۷). «بررسی نقش آموزه‌های دینی در پیشگیری از اعتیاد نوجوانان». مجله پژوهش در دین و سلامت. ۴ (۲). صص ۱۱۰-۱۲۷.
- شیخ، محمود؛ احمدی، حسین؛ محمودی، زهرا. (۱۳۹۴). «شیوع مصرف مواد مخدر در میان نوجوانان ایرانی: یک مطالعه مروری نظام‌مند». مجله اعتیاد و سلامت. ۶ (۳). صص ۱۷۰-۱۹۰.
- صفری‌شالی، رضا؛ قوی، نیره؛ اسلامی، مجتبی. (۱۴۰۳). «چالش‌های اثربخشی دروس معارف اسلامی در دانشگاه‌ها (مطالعه کیفی-میدانی)». فصلنامه فرهنگ در دانشگاه اسلامی. ۱۴ (۴). صص ۷-۳۴.
- طیسی، زهرا. (۱۴۰۰). «اعتیاد و نوجوانان». مجموعه مقالات دهمین همایش ملی پژوهش‌های مدیریت و علوم انسانی در ایران. تهران: انجمن مدیریت ایران. صص ۱-۱۰.
- عابدی، احمد؛ کریمی، محمود. (۱۴۰۱). «اثربخشی برنامه مشاوره معنویت‌محور مبتنی بر مفاهیم قرآنی بر تاب‌آوری و کاهش تمایل به مصرف مواد در دانش‌آموزان پرخطر». مجله پژوهش در دین و سلامت. ۸ (۱). صص ۸۰-۱۰۰.
- عباس‌زاده، مهدی. (۱۳۹۸). «نقش محوری مشاوران مدرسه در پیشگیری از اعتیاد: مطالعه‌ای کیفی». فصلنامه مشاوره مدرسه. ۸ (۲). صص ۴۵-۶۶.
- عباس‌نژاد، حسین. (۱۳۹۴). «اعتیاد در محیط‌های آموزشی». مجموعه مقالات کنفرانس بین‌المللی

پژوهش در علوم و تکنولوژی. تهران: دانشگاه صنعتی شریف. صص ۸-۱.

علی محمدی، مروارید؛ عبدالمهی، داوود. (۱۳۹۷). «نقش آموزش و پرورش در پیشگیری از آسیب‌های اجتماعی». مجموعه مقالات پنجمین همایش ملی پژوهش‌های مدیریت و علوم انسانی در ایران. تهران: دانشگاه علامه طباطبائی. صص ۱-۱۵.

فلاح‌پور، محمدعلی؛ داوودی، زهره؛ کرمی، مرضیه و رضایی قصبه، ربابه. (۱۴۰۱). «انواع آسیب‌های اجتماعی و راه‌های پیشگیری از آن». مجموعه مقالات نهمین کنفرانس ملی پژوهش‌های نوین در تعلیم و تربیت، روانشناسی، فقه و حقوق و علوم اجتماعی. اصفهان: دانشگاه اصفهان. صص ۱-۲۰.

قلاوندی، عرفان. (۱۴۰۱). «تأثیر الگوهای مشاوره‌ای در کاهش میزان آسیب‌های اجتماعی و روانی دانش‌آموزان مقطع راهنمایی (استان خوزستان)». مجموعه مقالات هفتمین همایش بین‌المللی مدیریت، روانشناسی و علوم انسانی با رویکرد توسعه پایدار. تهران: دانشگاه تهران. صص ۱-۱۲.

محمدپور، احمد. (۱۳۹۰). روش تحقیق کیفی ضدروش: مراحل و رویه‌های علمی در روش‌شناسی کیفی. جلد دوم. تهران: جامعه‌شناسان.

محمدی، سعید؛ رضایی، علی؛ موسوی، سیدحسن. (۱۳۹۹). «تبیین الگوی پیشگیری از اعتیاد بر اساس سیره رضوی: یک مطالعه کیفی». مجله علوم تربیتی و روانشناسی دانشگاه شهید چمران اهواز. ۲۷ (۱). صص ۱۲۰-۱۴۵.

مهدی‌مقدم، امیرحسین؛ کریمی، فاطمه؛ صادقی، هدیه؛ مهدی‌مقدم، حدیث. (۱۴۰۱). «بررسی اعتیاد دانش‌آموزان و راهکارهای مقابله با آن». ماهنامه پیشرفت‌های نوین در روانشناسی علوم تربیتی و آموزش و پرورش. ۵ (۵۷). صص ۳۴-۴۹.

موسوی، سیدعلی؛ اسماعیلی، رضا و اعتباریان خوراسگانی، اکبر. (۱۴۰۱). «بازکاوی معنایی راهبردهای توسعه منابع انسانی در حوزه مدیریت آسیب‌های اجتماعی با استفاده از نظریه داده‌بنیاد». فصلنامه آموزش و بهبود منابع انسانی. ۳ (۳). صص ۱-۲۴.

میرزایی، حسین. (۱۳۹۸). «نقش مربیان پرورشی در ترویج سبک زندگی اسلامی به مثابه سدی در برابر آسیب‌های اجتماعی». فصلنامه پژوهش‌های تربیت اسلامی. ۱۴ (۳۱). صص ۵۵-۸۰.

Creswell, John W. & Poth, Cheryl N. (2018). *Qualitative Inquiry and Research Design: Choosing Among Five Approaches* (4th ed.). Sage Publications.

Johnston, Lloyd D.; Miech, Richard A.; O'Malley, Patrick M.; Bachman, Jerald G.; Schulenberg, John E.; & Patrick, Megan E. (2023). *Monitoring the Future National Survey Results on Drug Use, 1975–2022: Overview, Key Findings on Adolescent Drug Use*. Institute for Social Research, University of Michigan.

Jones, Damon E.; Feinberg, Mark E.; Cleveland, Michael J.; & Cooper, Brian R. (2021). «Preventing Adolescent Substance Use: A Content Analysis of Peer-Reviewed Literature». *Journal of Primary Prevention*, 42(3), 203–221.

Levy, Sharon & Williams, Judith F. (2021). «Substance Use Screening, Brief Intervention, and Referral to Treatment». *Pediatrics*, 148(3).

Lin, Chia; Huang, Jian; & Lee, Sheng (2019). «Counseling-Based Interventions and Drug-Use Prevention in Schools». *Journal of Adolescent Behavioral Studies*, 12(3), 145–162.

- Sheridan, Zoe; Boman, Peter; Mergler, Amanda; & Gill, Peter (2022). »School-Based Interventions for Preventing Substance Use in Adolescents: A Systematic Review and Meta-Analysis«. *Journal of Adolescent Health*, 70(2), 191–202.
- Strauss, Anselm & Corbin, Juliet (1998). *Basics of Qualitative Research: Techniques and Procedures for Developing Grounded Theory* (2nd ed.). Sage Publications.
- United Nations Office on Drugs and Crime (2023). *World Drug Report 2023*. United Nations Office on Drugs and Crime (UNODC).
- Vigna-Taglianti, Federica; Burkhart, Gregor; Caria, Maria Paola; Vadrucchi, Silvia; & Faggiano, Fabrizio (2022). »The Effectiveness of School-Based Prevention Programs on Alcohol, Tobacco, and Illicit Drug Use Among Adolescents: A Systematic Review and Meta-Analysis«. *Prevention Science*, 23(2), 202–216.
- World Health Organization (2014). *Global Status Report on Alcohol and Health 2014*. World Health Organization.

References

The Holy Qur'an

- 'Abbās-Nejad, Husayn. (1394 SH/2015). "I'tiyād dar Moḥīt-hā-e Āmūzishī." In: Proceedings of the International Conference on Research in Science and Technology. Tehran: Sharif University of Technology. pp. 1–8.
- 'Abbās-Zādeh, Mahdī. (1398 SH/2019). "Naqsh-e Miḥvarī-ye Mushāvirān-e Madraseh dar Pīshgīrī az I'tiyād: Motālī'eh-ye Keyfī." Moshāvereh-ye Madraseh Quarterly Journal, 8(2), pp. 45–66.
- 'Ābedī, Aḥmad; Karīmī, Maḥmūd. (1401 SH/2022). "Atharbakshī-ye Barnāmeḥ-ye Mushāvareh-ye Ma'naviyat-Miḥvar bar Mabnā-ye Mafāhīm-e Qur'ānī..." Pazhūhish dar Dīn va Salāmat Journal, 8(1), pp. 80–100.
- Ahani, Fatimeh. (1400 SH/2021). "Rāhkārhā-e Pishnehādī barā-ye Muqābeleh bā Afzāyish-e Girāyish be I'tiyād dar Dānish-Āmuzān." Pazhūhishhā-ye Kārbordī dar Mudīriyyat va 'Ulūm-e Insānī Quarterly Journal, 2(5), pp. 108–116.
- 'Alī-Muḥammadī, Morvārid; 'Abdullāhī, Dāvūd. (1397 SH/2018). "Naqsh-e Āmūzish va Parvarish dar Pīshgīrī az Āsībḥā-ye Ijtimā'ī." In: Proceedings of the Fifth National Conference on Management Research and Human Sciences in Iran. Tehran: Allameh Tabataba'i University. pp. 1–15.
- Bāqirī Karachī, Amīn; Mehrābī, Amīr-Husayn. (1396 SH/2017). "Muqāyisēh-ye Negarash be Āsīb-e Ijtimā'ī dar Dānish-Āmuzān bar Ḥasab-e Zamīnehā-e Khānivādegī." Dānishkadeh-e 'Ulūm-e Funūn va Intizāmī Quarterly Journal, 9(4), pp. 5–20.
- Creswell, John W. & Poth, Cheryl N. (2018). *Qualitative Inquiry and Research Design: Choosing Among Five Approaches* (4th ed.). Sage Publications.
- Fallāhpour, Muḥammad-'Alī; Dāvūdī, Zohreh; Karamī, Marzīyeh; Rezaei-Qaşabeh, Rabābeh. (1401 SH/2022). "Anvā'-e Āsībḥā-e Ijtimā'ī va Rāhā-e Pīshgīrī az Ānhā." In: Proceedings of the Ninth National Conference on Novel Research in Education, Psychology, Jurisprudence and Law, and Social Sciences. Isfahan: University of Isfahan. pp. 1–20.
- Fars News Agency. (1402, Shahrivar 15 / September 6, 2023). *Gozārish-e Markaz-e Pazhūhishhā-e Majlis az Vazī'at-e I'tiyād dar Keshvar*.
- Jahādgar, Ismat; 'Aref-Niyā, Abūzar. (1402 SH/2023). "Tāsīr-e Olgūhā-e Mushāvare'ī dar Kahish-e Āsībḥā-e Ijtimā'ī va Ravānī Dānish-Āmuzān mutavasīteh dovvom mantaqeh Charusa, Oštān Kohgiluyeh va Boyer-Ahmad dar Sāl 1402-1403" In: Proceedings of the Twenty-First National Conference on Psychology, Educational Sciences and Social Sciences. Tehran: Iranian Behavioral Sciences Research Foundation, pp. 1–11.
- Johnston, Lloyd D.; Miech, Richard A.; O'Malley, Patrick M.; Bachman, Jerald G.; Schulenberg, John E.; & Patrick, Megan E. (2023). *Monitoring the Future National Survey Results on Drug Use, 1975–2022: Overview, Key Findings on Adolescent Drug Use*. Institute for Social Research, University of Michigan.
- Jones, Damon E.; Feinberg, Mark E.; Cleveland, Michael J.; & Cooper, Brian R. (2021). "Preventing Adolescent Substance Use: A Content Analysis of Peer-Reviewed Literature". *Journal of Primary Prevention*, 42(3), 203–221.
- Levy, Sharon & Williams, Judith F. (2021). "Substance Use Screening, Brief Intervention, and Referral to Treatment". *Pediatrics*, 148(3).
- Lin, Chia; Huang, Jian; & Lee, Sheng (2019). "Counseling-Based Interventions and Drug-Use Prevention in Schools". *Journal of Adolescent Behavioral Studies*, 12(3), 145–162.
- Mehdī-Muqaddam, Amīr-Husayn; Karīmī, Fatimeh; Šādiqī, Hadiyeh; Mehdī-Muqaddam, Ḥadīth. (1401 SH/2022). "Barresi-e I'tiyād-e Dānish-Āmuzān va Rāhkārhā-e Muqābileh bā Ān." *Pishraft-hā-e Novīn dar Ravānshināsī 'Ulūm Tarbiyatī va Āmūzishī va Parvarish Journal*, 5(57), pp. 34–49.
- Mīrzā'ī, Husayn. (1398 SH/2019). "Naqsh-e Murabbīān-e Parvareshī dar Tarvij-e Sabk-e Zindigī-ye Islāmī be Mathābeh Saddī dar Barābar-e Āsībḥā-ye Ijtimā'ī." *Pazhūhish-hā-ye Tarbiyat-e Islāmī Quarterly Journal*, 14(31), pp. 55–80.

- Muhammadī, Sa'īd; Rezaei, 'Alī; Mūsavī, Seyyed-Ḥasan. (1399 SH/2020). "Tabyīn-e Olgū-e Pīshgīrī az I'tiyād bar Asās-e Sīreh-ye Rezavī: Yek Motālī'eh-ye Keyfī." 'Ulūm-e Tarbiyatī va Ravān-shināsī-ye Dānīshgāh-e Shahīd Chamrān-e Ahvāz Journal, 27(1), pp. 120–145.
- Muhammadpour, Aḥmad. (1390 SH/2011). Ravesh-e Tahqīq-e Keyfī Didd-Ravesh: Marāhil va Ruviye-hā-e 'Ilmī dar Ravesh-shināsī Keyfī. Tehran: Jāmi'eh-Shināsān.
- Mūsavī, Seyyed-'Alī; Ismā'īlī, Reza; I'tibārīān-Khorāsagānī, Akbar. (1401 SH/2022). "Bāzkāvī-ye Ma'nā'ī-ye Rāhbordhā-ye Towsī'eh-ye Manābī'-e Insānī dar Ḥawzeh Mudīriyyat Āsīb-hā-ye Ijtimā'ī." Āmūzish va Behbūd-e Manābī'-e Insānī Quarterly Journal, 3(3), pp. 1–24.
- Qalāvandī, 'Irfān. (1401 SH/2022). "Tāsīr-e Olgūhā-e Mushāvire'ī dar Kahish-e Āsīb-hā-e Ijtimā'ī va Ravānī Dānīsh-Āmūzān maqta' Rāhnamāī (Ostān Khuzeistān)." In: Proceedings of the Seventh International Conference on Management, Psychology and Human Sciences with a Sustainable Development Approach. Tehran: University of Tehran. pp. 1–12.
- Raḥīmī-Mowqar, Āfarīn; Muḥammad, Kāzīm; Razāqī-'Imrān, Muḥammad. (1393 SH/2014). Ravand-e 30 Sāleh-ye Vazī'at-e Su'-e Mašraf-e Mavād dar Iran. Tehran: Mo'asseseh-ye Farhangī va Ittilā' rāsānī-ye Tebyān, pp. 171–182.
- Safarī-Shālī, Reza; Qavī, Nayyereh; Ilāmī, Mojtabā. (1403 SH/2024). "Chālīsh-hā-ye Athar-bakhshī-ye Durūs-e Ma'ārif-e Islāmī dar Dānīshgāh-hā." Farhang dar Dānīshgāh-e Islāmī Quarterly Journal, 14(4), pp. 7–34.
- Sanāgū-Meḥvar, Gholām-Reza; Muḥammadiyān, Shahrām; Raštegār, Muḥammad-'Āref; Golzārnīyā, Muḥammad. (1396 SH/2017). "Barresi-ye Naqsh-e Mushāvere bar Kahish-e Āsīb-hā-e Ijtimā'ī va Rāhā-e Pīshgīrī az ān" In: Proceedings of the Third National Conference on New Research in the Field of Humanities and Social Studies of Iran. Tehran: Permanent Secretariat of the Conference, pp. 1–12.
- Sarkhosh, Zahra; Ismā'īlī, Ilhām; 'Azīzī-Nejad, Bahāreh; 'Abbāsīān-Shīrzdād, Mehnāz. (1400 SH/2021). "Naqsh-e Mushāvere va Āmūzish dar Pīshgīrī az Āsīb-hā-e Ijtimā'ī." In: Proceedings of the Scientific-Research Conference on Educational Sciences, Psychology, Social and Cultural Harms of Iran. Tehran: University of Tehran. pp. 1–11.
- Shaykh, Maḥmūd; Aḥmadī, Ḥusayn; Maḥmūdī, Zahra. (1394 SH/2015). "Shuyū'-e Mašraf-e Mavād-e Mukhaddar dar Miyān-e Nūjavanān-e Iran." Motālī'eh-ye Murūrī-e Nīzāmmand." I'tiyād va Salāmat Journal, 6(3), pp. 170–190.
- Sheridan, Zoe; Boman, Peter; Mergler, Amanda; & Gill, Peter (2022). "School-Based Interventions for Preventing Substance Use in Adolescents: A Systematic Review and Meta-Analysis". Journal of Adolescent Health, 70(2), 191–202.
- Soleymānī, Muḥammad; Rezaei, Fatimeh. (1397 SH/2018). "Barresi-ye Naqsh-e Āmūzeh-hā-e Dīnī dar Pīshgīrī az I'tiyād-e Nūjavanān." Pazhūhish dar Dīn va Salāmat Journal, 4(2), pp. 110–127.
- Strauss, Anselm & Corbin, Juliet (1998). Basics of Qualitative Research: Techniques and Procedures for Developing Grounded Theory, 2nd edition. Sage Publications.
- Tayyebī, Zahrā. (1400 SH/2021). "I'tiyād va Nūjavanān." In: Proceedings of the Tenth National Conference on Management Research and Human Sciences in Iran. Tehran: Iranian Management Association. pp. 1–10.
- United Nations Office on Drugs and Crime (2023). World Drug Report 2023. United Nations Office on Drugs and Crime (UNODC).
- Vigna-Taglianti, Federica; Burkhart, Gregor; Caria, Maria Paola; Vadrucci, Silvia; & Faggiano, Fabrizio (2022). "The Effectiveness of School-Based Prevention Programs on Alcohol, Tobacco, and Illicit Drug Use Among Adolescents: A Systematic Review and Meta-Analysis". Prevention Science, 23(2), 202–216.
- World Health Organization (2014). Global Status Report on Alcohol and Health 2014. World Health Organization.

| Extended Abstract |

The Role of Counselors and Educational Mentors in the Prevention and Reduction of Student Addiction: A Mixed-Methods Study in Khuzestan Province Schools

Mobin Shah Vali , Shahla Bagheri

Research Objective: This study aims to explain and analyze the role of school counselors and educational mentors in preventing and reducing addiction-related harm among students. In this regard, efforts were made to identify the functions, strategies, and interventions employed by these educational actors and to examine their effectiveness in upper secondary schools in Khuzestan Province. Accordingly, the present study, by adopting a comprehensive approach, provides an in-depth and multidimensional examination of the various aspects of students' involvement in addiction and, consequently, the role played by counselors and educational mentors in preventing and reducing this harm.

Research Methodology: This study was conducted using a sequential mixed-method approach (qualitative–quantitative). In the qualitative phase, semi-structured interviews were conducted with 19 school counselors and educational mentors across Khuzestan Province using purposive sampling. The qualitative data were analyzed using the Strauss and Corbin grounded theory model through three stages: open coding, axial coding, and selective coding.

In the quantitative phase, 363 male upper secondary school students from five cities of Khuzestan Province (Izeh, Ahvaz, Dezful, Khorramshahr, and Abadan) were selected through simple random sampling and completed a researcher-made questionnaire designed based on the findings of the qualitative phase. Quantitative data were analyzed using descriptive and inferential statistical methods.

Findings: The analysis of qualitative data led to the identification of factors influencing the tendency toward addiction in three domains:

- Individual factors (such as weak life skills, low self-esteem, and inability to manage emotions).
 - Family factors (such as parental addiction, family conflicts, divorce, and insufficient supervision).
 - Socio-cultural factors (such as the influence of deviant peers, easy access to substances, the harmful effects of cyberspace, and a weak culture of seeking counseling).
- Furthermore, the role of counselors and educational mentors was explained at three levels:
- Prevention level: conducting educational workshops based on Islamic life skills, forming cultural and sports groups, and educating families.
 - Identification level: timely detection of students at risk through observation, inter-

views, and screening tools.

- Support level: providing individual and group counseling, making specialized referrals, and following up on suspected cases.

The quantitative findings also confirmed the factors identified in the qualitative section and their relationship with the tendency toward addiction.

Conclusion: The results of the study indicate that school counselors and educational mentors can act as “mediators of moral and social health” in schools by employing scientific strategies grounded in religious values to play an effective role in preventing and reducing addiction-related harm. Effective planning to address this phenomenon requires a comprehensive and integrated approach that combines contemporary counseling and psychological knowledge with religious and Qur’anic education. Strengthening the professional status of these specialists, ensuring their continuous training, and institutionalizing a culture of help-seeking among students and families are essential for the country’s educational system. This contributes not only to the psychological and social well-being of the younger generation but also to the pursuit of a harm-free society based on the human-developing teachings of Islam.

Keywords: School counselor; Educational mentor; Student addiction trauma; Multifaceted addiction epidemic; Grounded theory; Islamic foundations